

## هشدار از پیامدهای جنگ نیابتی پس از خروج نیروهای خارجی



خروج نیروهای ناتو از افغانستان برای منطقه جنوب آسیا مفهوم عمیقی دارد. کارشناسان می‌گویند ممکن است تنش بین پاکستان و هند افزایش یابد و روند صلح در افغانستان شکست بخورد.  
پس از ۱۲ سال حضور ناتو در افغانستان، قرار است تا سربازان جنگی این نیروها تا پایان سال ۲۰۱۴ این کشور را ترک کنند؛ اما پرسش‌های فراوانی درباره آینده افغانستان بی پاسخ می‌ماند. به گفته کارشناسان، چهار مساله اساسی وجود دارد که می‌تواند از جنگ احتمالی در افغانستان جلوگیری کند: شمار نیروهای ائتلاف که در افغانستان باقی می‌مانند؛ موفقیت طرح صلح با طالبان؛ انتخابات ریاست‌جمهوری؛ و تمایل کشورهای همسایه برای تسهیل روند صلح در افغانستان.  
به گزارش دویچه وله، بر اساس گزارش «سرویس تحقیقاتی کانگرس امریکا»، حدود ۸ تا ۱۲ هزار آموزگار نظامی، و شمار نامعینی نیروهای ضد تروریسم پس از سال ۲۰۱۴ در افغانستان باقی خواهند ماند. بیشتر این نیروها امریکایی خواهند بود. ...  
ادامه صفحه ۶

## کمیسیون مستقل انتخابات: ۲۰ نامزد احتمالی انتخابات ریاست‌جمهوری برگه‌های معلوماتی دریافت کردند



صفحه ۶

## تفویض مدال میر مسجدی خان و توزیع اپارتمان به بازیکنان تیم ملی



تحصین نامه‌ها به بازیکنان، ترینر و رییس و همکاران تیم ملی فوتبال، قرائت گردید.  
در این فرمان به منصور فقیریار دروازه‌بان تیم ملی فوتبال کشور یک میلیون و یکصد هزار افغانی، ... ادامه صفحه ۷

و مطمئن هستم که تجار، سرمایه گذار و هموطنان متمدول کشور نیز با شما ایستاده می‌شوند.  
حامد کرزی گفت که شما به مردم افغانستان افتخار بخشیدید و من مطمئن هستم که قهرمان بازی‌های آسیا می‌شوید و بعداً بروید به بازی‌های جهانی و در آنجا خواهیم دید که تیم ملی فوتبال افغانستان در بازی‌های جهانی شرکت می‌کند، گول می‌زند و به افغانستان قهرمانی می‌آورد.  
رییس جمهور گفت که به سرعت که شما پیش می‌روید، پیروزی شما کاملاً متصور است و انشاءالله عملی می‌گردد.  
سپس فرمان رییس جمهور کشور در رابطه به تفویض مدال غازی میرمسجدی خان، توزیع یک باب اپارتمان به هر یک از بازیکنان در پروژه وزارت شهر سازی در منطقه خواجه رواش کابل، مکافات نقدی، تقدیر نامه‌ها و

رییس جمهور کرزی، بازیکنان تیم ملی فوتبال کشور را که اخیراً در مسابقات فوتبال جنوب آسیا مقام قهرمانی را به دست آوردند، با تفویض مدال غازی میر مسجدی خان، توزیع اپارتمان‌ها و کمک‌های نقدی مورد تقدیر قرار داد.  
در مراسمی که بدین مناسبت روز گذشته برگزار گردید، آقای کرزی گفت: «از روزی که شما افغانستان را در فوتبال قهرمان بازی‌های آسیا ساختید، دیدید که مردم افغانستان چه خوشی‌هایی کردند. سراسر کشور در یک شور، هیجان و خوشی بسر می‌برد و جوانان در تمام افغانستان جشن گرفتند و سبب این همه خوشحالی که بعد از سال‌ها مصیب و بیچاره‌گی به دست آمد، شما هستید.»  
بر اساس خبرنامه ارگ، رییس جمهور ضمن تبریکی به بازیکنان تیم ملی فوتبال گفت که به کوشش‌های تان ادامه دهید، دولت افغانستان با تمام امکانات با شماسیت

## نمایندگان برخی ولایت‌ها با ارایه گزارش‌های شان: اوضاع امنیتی نگران کننده است

"اداره‌های نورستان فلج هستند"



امنیتی افغانستان در ماه جوزای امسال امنیت سراسر افغانستان را بر عهده گرفتند و نیروهای خارجی در حال ترک این کشور هستند.  
احمدالله موحّد، نماینده ولایت نورستان گفت: «ولایت نورستان از ولایاتی است که تمام ادارات آن فکر کنید که فلج است و با سقوط مواجه اند. چند سال می‌شود که ما از آدرس پارلمان می‌گوییم که امنیت نورستان خراب است.»  
نورستان با پاکستان هم مرز است و... ادامه صفحه ۶

پس از واگذاری کامل امنیت افغانستان به نیروهای امنیتی داخلی، نماینده‌گان شماری از ولایات می‌گویند در اثر کمبود سربازان پولیس، ناامنی افزایش یافته ولی در صورتی که حکومت توجه کند، اوضاع بهبود خواهد یافت.  
نمایندگان پارلمان افغانستان روز شنبه گزارش‌هایی را از وضعیت ولایات خود ارایه کردند. نماینده‌گان ولایات شرق افغانستان بیشترین شکایت را در مورد ناامنی داشتند. این در حالی است که نیروهای

## تلاش ارتش امریکا برای کاهش هزینه‌های خروج



مقام‌های امریکایی اعلام کردند، پنتاگون در حال برگزاری مذاکراتی در افغانستان درباره خروج تجهیزات نظامی امریکا از این کشور است؛ این در حالی است که واشنگتن امیدوار است هزینه این عملیات عظیم را کاهش دهد.  
به گزارش خبرگزاری فرانسه، به گفته مقام‌های امریکایی، نیروهای این کشور مجبورند مقادیر زیادی از ادوات را با هزینه بالا از طریق هوایی از... ادامه صفحه ۶

در برگه‌ها



نشانه‌های  
تقلب در  
انتخابات  
آینده

بحران  
دموکراسی  
مدرن  
در فاصله دو  
جنگ جهانی



مسعود از  
تولد  
تا قهرمانی

برخی محافل  
در تلاش  
جلوگیری  
از برگزاری  
انتخابات  
هستند





احمد عمران

# نشانه‌های تقلب در انتخابات آینده

نتیجه انتخابات تأثیر کلانی نمی‌داشته باشد، اما نباید از یاد برد که همین غفلت و همین معضل انتخاباتی می‌تواند زمینه تقلب‌های کلان را به وجود آورد؛ به ویژه این مسأله وقتی نگران‌کننده می‌شود که در بیشتر مناطق کشور، امنیت به گونه لازم تأمین نیست و نظارت بر سازوکار انتخاباتی با موانعی روبه‌رو است. بنابراین، افرادی که بیش از یک کارت در اختیار داشته باشند، در مناطق ناامن به راحتی می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند. در انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته دیدیم که در برخی مناطق صندوق‌های رای‌دهی به جای این‌که در محل‌های مشخص شده از سوی کمیسیون به وسیله رای‌دهنده‌گان پر شوند، در خانه‌ها و ادارات دولتی پر شدند.

گزارش‌های زیادی در زمان انتخابات سال ۲۰۰۹ منتشر شدند که بیانگر تقلب گسترده در انتخابات بودند. این گزارش‌ها حاکی از آن بودند که برخی افراد با نفوذ محلی و یا مقام‌های محلی، کارت‌های رای‌دهی را در مناطق شان جمع‌آوری کرده و خود به جای دیگران در انتخابات شرکت کرده بودند. این راه باید به پای نوع دموکراسی ارگنشینان گذاشت که چیزی کم از یک نظام دیکتاتوری ندارد. اگر قرار باشد که افراد بانفوذ و مقام‌های محلی به جای اکثریت مردم افغانستان از رای آن‌ها سوء استفاده کنند، پس خوب است که کمیسیون انتخابات همان میزان رای مورد نیاز قدرت‌طلبان را با صندوق‌های رای‌دهی به ارگ ریاست‌جمهوری انتقال دهد تا آقایان در کمال آرامش، انتخابات را آن‌گونه که لازم می‌بینند، به نفع فرد مورد حمایت خود برگزار کنند!

از جانب دیگر، نباید فراموش کرد که نفس توزیع بیش از حد کارت‌های رای‌دهی می‌تواند زمینه را برای تقلب‌های کلان‌تر و بزرگ‌تر فراهم کند. دزدی‌های کلان بدون شک از دزدی‌های کوچک آغاز می‌شود و این موضوع در مورد انتخابات نیز صادق است. اگر عده‌ای کارت‌های اضافی را در اختیار نداشته باشند، این فرصت نیز کمتر به دست می‌آید که به فکر تقلب و جعل در انتخابات بیفتند. شاید توزیع بیش از حد کارت‌های رای‌دهی، یکی از برنامه‌ها در راستای انجام تقلب در انتخابات آینده باشد. این موضوع نباید سطحی انگاشته شود و زمینه برای تقلب در انتخابات آینده از حالا به وجود آید. چون همین دستاویز کفایت می‌کند که اگر مشکلات بزرگ‌تری در جریان انتخابات دیده شود، مسوولان آن را به توزیع بیش از اندازه کارت‌های رای‌دهی نسبت دهند و از خود رفع اتهام کنند. زیرا به این وسیله



انارشی و هرج‌ومرج را بر انتخابات حاکم سازند. شاید خواست اصلی آن‌ها از ایجاد هرج‌ومرج انتخاباتی هم معطوف به همان هدف حمایت از نامزدهای خاص باشد. به هر حال، چنین اتفاقی در افغانستان در چند انتخابات گذشته رخ داده و حالا هم بعید نیست که برخی از کشورهای همسایه، از حالا به فکر تقلب در انتخابات آینده کشور باشند و یکی از راه‌هایی که می‌تواند به ایجاد تقلب دامن بزند، چاپ و توزیع کارت‌های رای‌دهی است. اگر چنین فکر کنیم که هشت میلیون کارت رای‌دهی بیشتر از تعداد افراد واجد شرایط از سوی کمیسیون انتخابات توزیع می‌شود و به همین مقدار هم از آن سوی مرزها وارد کشور می‌گردد، آن‌گاه چه اتفاقی خواهد افتاد؟

در مورد این‌که گفته می‌شود توزیع بیش از اندازه کارت‌های رای‌دهی زیاد هم نگران‌کننده نیست،

توزیع کارت‌های رای‌دهی در کشور در حالی ادامه دارد که به گفته یک عضو کمیسیون انتخابات، کارت‌های توزیعی به مراتب بیشتر از افراد واجد شرایط خواهد بود. این عضو کمیسیون انتخابات، از قول اداره احصایی کشور گفته است که ۱۳ میلیون واجد شرایط شرکت در انتخابات در افغانستان وجود دارد، ولی همین حالا هفده‌هزار کارت رای‌دهی توزیع شده و قرار است که در روزهای آینده، چهار میلیون کارت رای‌دهی دیگر هم از سوی کمیسیون توزیع شود. بر این اساس، کارت‌های رای‌دهی توزیع شده، تا زمان برگزاری انتخابات به نزدیک به دو برابر افراد واجد شرایط می‌رسد. این موضوع زمانی به نگرانی جدی می‌تواند تبدیل شود که شکل‌های دیگری از سوءاستفاده‌های انتخاباتی را در نظر بگیریم.

شاید کمیسیون انتخابات، توزیع بیش از اندازه کارت‌های رای‌دهی را یک مشکل کلان نداند، چون گفته می‌شود که استفاده از بیش از یک کارت به دلیل موانع و پیش‌گیری‌هایی که در مکانیزم برگزاری انتخابات در نظر گرفته شده، به وسیله یک فرد زیاد محتمل نیست و از جهتی یک نفر چه‌قدر خواهد توانست از کارت‌هایی که احتمالاً در اختیار دارد، استفاده کند که بر نتیجه انتخابات تأثیر آن‌چنانی بگذارد. پس از نظر کمیسیون انتخابات، توزیع زیاد کارت‌های رای‌دهی به عنوان یک معضل که کل انتخابات را متأثر کند، پنداشته نمی‌شود. ولی این موضوع با توجه به تجربه انتخابات در گذشته و زمینه‌هایی که برای سوءاستفاده می‌تواند خلق کند، جای نگرانی دارد.

فراموش نکنیم که در افغانستان تنها کمیسیون انتخابات نیست که می‌تواند به چاپ و توزیع کارت‌های رای‌دهی اقدام کند، بل چاپ و توزیع کارت‌های رای‌دهی و حتا فورم‌های شمارش آرا در آن سوی مرزها نیز انجام می‌شود. این نکته را باید در نظر داشت که برخی کشورهای همسایه افغانستان به چند دلیل تلاش می‌کنند که در انتخابات افغانستان، نقش و بازی خود را داشته باشند. نخست این‌که از نامزدهای مشخصی که می‌توانند منافع آن‌ها را تأمین کنند، به این وسیله حمایت کنند و دوم این‌که می‌خواهند وضعیت

## سخن‌ماندگار

### نزدیک شدن انتخابات و نشانه‌های مهندسی آن

در حالی که یک روز به آغاز رسمی ثبت نام نامزدان انتخابات مانده، هنوز نشانه‌های تضمین برگزاری یک انتخابات شفاف و سالم از سوی حکومت ارایه نشده است. این نشانه‌ها - که بارها از سوی منتقدان بر آن تأکید شده - شامل یک سری تضمین‌هایی است که حکومت باید پیش از برگزاری انتخابات، آن را به مردم نشان دهد تا در پی آن، عدم دخالتش در این پروسه نمایان گردد و یا فضای امن برگزاری آن ایجاد شود.

آگاهان به این باور اند که حکومت باید قبل از فرا رسیدن ثبت نام نامزدان انتخابات؛ در زمینه‌های توزیع کارت‌های رای‌دهی، گزینش اعضای کمیسیون انتخابات، تأمین امنیت و... شفاف عمل می‌کرد، اما سوگ‌مندانه که این توقعات برعکس جامه عمل پوشید، به گونه‌ی که نامنظم‌ترین شیوه توزیع کارت‌های رای‌دهی این بار تجربه شد. جدای از آن، سرنوشت کارت‌های تقلبی دوره قبل روشن نشد و نیز روند توزیع کارت‌های رای‌دهی در ولسوالی‌های ناامن که با چالش مواجه شده بود، پی‌گیری نگردید. هم‌چنان حکومت به جای گماشتن افراد قابل اعتماد و با تجربه در کمیسیون انتخابات، کسانی را در آن کمیسیون مقرر کرد که گفته می‌شود از نزدیکان خودش است. با تقرر رییس و اعضای کمیسیون انتخابات، سروصدهایی بالا گرفت که آقای کرزی برای دستیابی به نتایج دل‌خواه، افراد مورد اعتماد خودش را گماشته است؛ اما حکومت خم به ابرو نیاورد و این اعتراضات را جدی نگرفت.

ناامنی نیز یکی از این چالش‌هاست که زدودن آن می‌تواند یکی از ضمانت‌های انتخابات شفاف و سالم باشد. با آن‌که روشن است عمده ناامنی‌ها به وضعیت کلی ناامنی در افغانستان و منطقه برمی‌گردد و نمی‌توان آن را در یک مدت کوتاه از میان برداشت، اما با آن‌هم اگر نیتی در این زمینه وجود می‌داشت، دست‌کم تلاش‌هایی باید در این زمینه صورت می‌گرفت. اما نه تنها که چنین نشده، حتا برعکس سعی شده است که مهره‌های هم‌سو و هم‌فکر بر پست‌های حساس گماشته شود. چنان که در این اواخر آقای عمر داوودزی که یکی از نزدیکان جناب کرزی شمرده می‌شود، به سمت سرپرست وزارت داخله مقرر شده است. باورها بر آن است که جناب داوودزی از مهره‌های هم‌سو با آقای کرزی است و تردیدی نیست که ادامه کار او در ایام انتخابات، در دست‌کاری و مهندسی این پروسه مهم، بی‌تأثیر نخواهد بود.

نکات بالا بیانگر آن است که برعلاوه آن‌که سعی بر ارایه تضمین‌های یک انتخابات شفاف صورت نگرفته، بل با چنین رفتارهایی، اندیشه مهندسی انتخابات نیز تقویت یافته است.

یکی از مسایل دیگر که جا دارد این‌جا بیان شود، عدم دخالت صریح رییس جمهور در انتخابات است. تا این‌جا دخالت رییس جمهور در انتخابات، بر مبنای گمانه‌ها و تحلیل‌ها بود و صراحتی در آن وجود نداشته؛ اما با نزدیک شدن انتخابات، کم‌کم به نظر می‌رسد که دخالت صریح نیز نمایان می‌شود؛ به گونه‌ی که جدیداً جناب رییس جمهور از نامزد مورد نظرش نیز سخن گفته است. آقای کرزی در نشست شانگهای صراحتاً از انتخابات و تلوپا از نامزدی آقای زلمی رسول - که از نامزدان مورد حمایت شخص اوست - سخن گفته و این حرکت نوعی لابی‌گری برای زلمی رسول است که اینک با جناب کرزی در قرغیزستان به سر می‌برد.

در کل آن‌چه گفته آمد، بسیار نگران‌کننده است و می‌طلبد که گروه‌های منتقد و مخالف آقای کرزی آن را از یاد نبرند و برای این‌که برنامه‌های حکومت را خنثا سازند، فشرده‌تر و برنامه‌ریزی‌شده‌تر حرکت کنند. ورنه، خواب‌هایی که آقای رییس جمهور برای انتخابات دیده است، به‌حتم به حقیقت خواهد پیوست.

**شاید توزیع بیش از حد کارت‌های رای‌دهی، یکی از برنامه‌ها در راستای انجام**

**تقلب در انتخابات آینده باشد. این موضوع نباید سطحی انگاشته شود و زمینه**

**برای تقلب در انتخابات آینده از حالا به‌وجود آید. چون همین دستاویز کفایت**

**می‌کند که اگر مشکلات بزرگ‌تری در جریان انتخابات دیده شود، مسوولان آن را**

**به توزیع بیش از اندازه کارت‌های رای‌دهی نسبت دهند و از خود رفع اتهام کنند.**

**زیرا به این وسیله به‌خوبی می‌توان از مسوولیت‌های خود در قبال انتخابات شانه**

**خالی کرد؛ به این ترتیب که توزیع بیش از اندازه کارت‌های رای‌دهی، پای نهادها**

**و اداره‌های دیگری را هم به میان می‌آورد و برای کمیسیون این زمینه را فراهم**

**می‌کند که بگوید مسایل امنیتی و شمارش جمعیت، کار کمیسیون انتخابات نبوده**

**است و باید نهادهای مسوول در این زمینه به نحو دقیق عمل می‌کردند**

به‌خوبی می‌توان از مسوولیت‌های خود در قبال انتخابات شانه خالی کرد؛ به این ترتیب که توزیع بیش از اندازه کارت‌های رای‌دهی، پای نهادها و اداره‌های دیگری را هم به میان می‌آورد و برای کمیسیون این زمینه را فراهم می‌کند که بگوید مسایل امنیتی و شمارش جمعیت، کار کمیسیون انتخابات نبوده است و باید نهادهای مسوول در این زمینه به نحو دقیق عمل می‌کردند.

جای اما و اگر وجود دارد. چرا چنین موضوعی مطرح می‌شود؟ اگر واقعاً کمیسیون انتخابات در پی انجام انتخابات شفاف و عادلانه در کشور هست، باید تمهیداتی را در نظر می‌گرفت که حداقل شمار افراد واجد شرایط مشخص می‌شد و از توزیع بیش از اندازه کارت‌های رای‌دهی جلوگیری به عمل می‌آمد. هرچند گفته می‌شود توزیع بیش از اندازه کارت‌های رای‌دهی در



## اوباما: اگر تلاش‌ها شکست بخورد آمادهٔ حمله‌ایم



رییس‌جمهوری آمریکا اعلام کرد، در صورت شکست تلاش‌های دیپلماتیک درخصوص سوریه کشورش آماده حمله نظامی است. باراک اوباما، رییس‌جمهوری آمریکا روز شنبه تاکید کرد: اگر تلاش‌های دیپلماتیک برای حل بحران سوریه با شکست مواجه شود واشنگتن برای حمله نظامی به سوریه آماده است.

باراک اوباما جهت اعطای فرصت به تلاش‌های دیپلماتیک در زمینه سلاح‌های شیمیایی سوریه اعلام آمادگی کرد، اما در عین حال تاکید کرد که در صورت شکست تلاش‌های دیپلماتیک گزینه نظامی هم‌چنان به قوت خود باقی خواهد ماند.

رییس‌جمهوری آمریکا در سخنرانی هفتگی خود عنوان داشت: ما نیاز داریم شاهد تدابیر ملموسی باشیم که ثابت کند بشار اسد، رییس‌جمهوری سوریه برای نابودی سلاح‌های شیمیایی این کشور جدی است.

وی افزود: از آنجا که موافقت سوریه با نظارت بین‌المللی بر تسلیحات شیمیایی این کشور تنها در سایه تهدیدهای ما شکل گرفت، بنابراین ما با ادامه حضورمان در پایگاه‌های نظامی خود در منطقه به اعمال فشار بر نظام سوریه ادامه خواهیم داد.

اوباما بر امکان حل دیپلماتیک بحران سوریه با همکاری جامعه جهانی تاکید کرد و گفت: ما در چارچوب روند دیپلماتیک عمل می‌کنیم. وی افزود: ما به نظام سوریه فشار می‌آوریم و تلاش می‌کنیم تا سلاح‌های شیمیایی خود را تحویل دهد سوریه باید بداند که ما و جهان نمی‌پذیریم از سلاح‌های شیمیایی در هیچ شرایطی استفاده شود. باراک اوباما با اشاره به موافقت سوریه با پیوستن به سازمان منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی تاکید کرد: ما می‌خواهیم اسد خلع سلاح شود چرا که این سلاح‌های تهدیدی برای امنیت، صلح و ثبات منطقه و جهان است لذا باید هر چه سریعتر از این سلاح‌ها رها شد. این اظهارات اوباما در حالی ایراد شد که جان کری، وزیر امور خارجه این کشور روز گذشته برای سومین روز پیاپی با سرنگی لاوروف، همتای روسی خود با هدف حل مساله سلاح‌های شیمیایی سوریه مذاکره کرد.

پیش از این نیز مقامات آمریکایی اعلام کرده بودند که در صورت عدم پایبندی سوریه به توافق برای نظارت قرار دادن و از بین بردن سلاح‌های شیمیایی این کشور آمریکا نیازی به مجوز سازمان ملل برای حمله نظامی به سوریه ندارد.

رییس‌جمهور آمریکا با بیان این که در روند حل و فصل بحران سوریه پیشرفتی حاصل شده است، ادامه مذاکرات دیپلماتیک درخصوص سلاح‌های شیمیایی دمشق را خواستار شد. وی تصریح کرد: اگر مذاکرات کنونی (مذاکرات روسیه و آمریکا در ژنو) طرح جدی را با خود به همراه داشته باشد، من در این صورت آماده اجرای این طرح خواهم بود.

## ورود چهار کشتی چینی به آب‌های مورد مناقشه با جاپان

در بحبوحه مناقشات دریایی میان دو غول بزرگ آسیا، چهار کشتی چینی روز شنبه وارد آب‌های اطراف جزایر مورد اختلاف با جاپان شدند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، گارد ساحلی جاپان، اعلام کرد، چهار کشتی گارد ساحلی چین صبح روز شنبه وارد آب‌های منطقه‌ای ۱۲ مایل مربعی اطراف جزایر سنکاکو که تحت کنترل جاپان است، جزایری که چین آنها را «دیائوبو» می‌خواند، شدند.

محافظان ساحلی جاپان گفتند، آنها همه چهار ساعت بعد آب‌ها را ترک کردند.

این اقدامات پس از برگزاری جشن نخستین سالگرد ملی شدن بخشی از این مجموعه جزایر توسط توکیو در روز چهارشنبه صورت گرفت. در آستانه جشن سالگرد، ناوگان کوچکی متشکل از هشت کشتی چینی وارد باریکه آب‌های منطقه‌ای شدند.

با رویارویی‌های مکرر کشتی‌های هر دو طرف، روابط غالباً پرخاصیوانه دو کشور در طول ۱۲ ماه گذشته به طور چشمگیری تیره شده است.

شینزو آبه، نخست‌وزیر جاپان روز پنجشنبه متعهد شد تا در بحبوحه جنجال با چین توانایی دفاعی کشورش را تقویت کند.

جاپان آنچه را که می‌گوید جزایر غیر ادعایی‌اش هستند در ۱۹۸۵ تسخیر کرد. توکیو اعلام کرده، پافشاری چین بر مالکیت جزایر تنها پس از کشف منابع در بستر دریا در نزدیکی دهه ۱۹۶۰ صورت گرفت.

پکن اصرار می‌ورزد که این جزایر صدها سال است که جزو قلمرو هستند و در جریان شروع ماجراجویی‌های زیاده‌خواهانه توکیو در سراسر آسیا که در جنگ جهانی دوم به اوج خود رسید، اشغال شده‌اند.

## ولیا گیلارد: از دست دادن قدرت به منزلهٔ «مشتی بر صورت‌تم» است



نخست‌وزیر سابق استرالیا روز شنبه با شرح مجدد ناراحتی خود از بیرون رانده شدن از حزبش گفت: از دست دادن قدرت به منزلهٔ مشت‌ای بر صورت‌تم است. به گزارش خبرگزاری فرانسه، جولیا گیلارد در سال ۲۰۱۰ در پی انتخاب شدن به عنوان اولین نخست‌وزیر زن استرالیا و پس از شکست کوین راد، نخست‌وزیر سابق از حزب کارگر و با استفاده از یک کودتای درون حزبی، تاریخ ساز شد. این اقدام باعث شد تا ملت استرالیا شوکه شوند.

اما در جون سال جاری میلادی، گیلارد با رویدادی که سه سال پیش گریبان کوین راد را گرفت، مواجه شد و همکاران پارلمانی‌اش از حزب کارگر وی را بیرون راندند و رهبری حزب را به کوین راد سپردند. بنابراین راد پس از سه سال به سمت نخست‌وزیری خود بازگشت.

در همین حال گیلارد در مقاله‌یی که به صورت آنلاین در روزنامه گاردین منتشر شد، نوشت: از دست دادن قدرت به صورت جسمانی، روانی و به صورت احساسی احساس می‌شود. نخست‌وزیر سابق استرالیا در ادامه نوشت: من هم اکنون می‌دانم که هم‌زمان با از میان رفتن استرس و اضطراب‌ها، لحظات آرام بخش به وجود می‌آید و بخش مشکل‌گشایی این است که احساس کنیم در شرایط بغرنجی قرار گرفته‌ایم. همچنین می‌دانم که از دست دادن قدرت و یادآوری گذشته همانند «ضربه مشت‌ای بر صورت» است.

کوین راد، در انتخابات هفتم ماه جاری میلادی از «تونی ابوت»، محافظه‌کار شکست خورد و از رهبری حزب کارگر استرالیا کناره‌گیری کرد.

جولیا گیلارد نوشت که اقدامات بیشتری نیاز است تا برای التیام حزب کارگر پس از سه سال درگیری داخل حزبی دچار چالش شده صورت گیرد.

وی تنها چند هفته پیش از انتخابات اوایل ماه جاری میلادی تغییر موضع کوین راد مورد انتقاد قرار داد و گفت این اقدام پامی خودخواهانه و ناشی از بی‌تفاوتی را درباره هدف اصلی حزب کارگر به مردم استرالیا ابلاغ کرد. حزب کارگر به صورت روشن و واضح پیامی بسیار صریح را به مردم داد که هیچ چیز بیشتر از دورنمای نجات و احیای اعضای این حزب در پارلمان اهمیت ندارد.

## ۶۰ درصد فرانسوی‌ها از عملکرد اولاند دربارهٔ سوریه ناراضی هستند



طبق نظرسنجی‌های به عمل آمده طی دو روز اخیر ۶۰ درصد مردم فرانسه از عملکرد رییس‌جمهوری این کشور در قبال بحران سوریه اظهار نارضایتی کرده‌اند.

در روزهای ۱۲ و ۱۳ سپتامبر جاری طبق نظرسنجی که از مردم فرانسه به عمل آمد محققان به این نتیجه رسیدند که ۶۰ درصد از مردم فرانسه از عملکرد فرانسوا اولاند، رییس‌جمهور فرانسه در مورد بحران سوریه ناراضی هستند. با این وجود وی را در مورد تهدید نظامی علیه سوریه محق می‌دانند.

از این حیث اولاند به همتای روسی خود شباهت دارد چرا که طبق نظرسنجی‌های به عمل آمده در روسیه نیز تنها ۳۵ درصد از مردم از عملکرد ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهوری این کشور رضایت دارند.

این در حالی است که ۵۴ درصد از آمریکایی‌ها عملکرد باراک اوباما، رییس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا را تایید می‌کنند و طبق نظرسنجی‌های به عمل آمده توسط موسسه «BFI» آمریکا بیش از نیمی از مردم آمریکا از عملکرد رئیس‌جمهوری‌شان درباره مسائل اخیر رضایت دارند.

این در حالی است که تنها ۳۶ درصد از فرانسوی‌ها از عملکرد اولاند اظهار رضایت و خرسندی کرده‌اند.

در مقابل ۵۴ درصد از فرانسوی‌ها فرانسه و آمریکا را در زمینه تهدید نظامی علیه سوریه محق می‌دانند و ۴۴ درصد دیگر اقدام فوق را امری اشتباه تلقی می‌کنند.

این در حالی است که فرانسوا اولاند یکشنبه هفته گذشته حدود ۲۰ دقیقه در تلویزیون رسمی فرانسه پیرامون مسائل گوناگون برای مردم کشورش صحبت کرد و در مورد بحران سوریه نیز توضیحاتی را به مردم فرانسه ارائه داد.

❁ تیموتی گارتون، لس‌آنجلس‌تایمز/ برگردان: ایسنا

# «امریکا دیگر تافته‌یی جدا بافته نیست!»

و افراط گران القاعده همچنان به جنگ با یکدیگر ادامه دهند.

یک افسر اطلاعاتی بلند پایه اسرائیل اخیراً گفته: بهترین سناریو برای ما این خواهد بود که آنها همچنان مشغول به جنگ با یکدیگر باشند و توجه خود را به ما معطوف نکنند.

همچنین یکی از مقامات سابق اسرائیل در آمریکا نیز اظهار داشت: باید بگذاریم آنها خون هم را بریزند و این تفکر راهبردی در اسرائیل است. در آمریکا همچنین از طرف دیگر جنگ طلبان مداخله‌جو نظیر جان مک کین و پل ولفوویتز هستند که معتقدند آمریکا باید قاطعانه‌تر عمل کند تا شورشیان میانه رو را در سوریه قادر به سرنگونی بشار اسد کند.

آنها از این ناراضی هستند که تنها به طور محدود جلوی سلاح‌های شیمیایی سوریه گرفته شود و چنین کاری توسط یک توافق با بشار اسد با میانجی‌گری روسیه انجام شود. در کنار آنها جمهوری خواهانی هستند که برای آنها غلبه بر اوباما به دلیل سیاست‌های بسیار حزبی بر مهار بشار اسد ارجحیت دارد.

همچنین دسته‌یی دیگر نیز سیاستمداران استراتژیست کارکشته که تعداد آنها زیاد است، هستند که ارتباطی با ارتش آمریکا نداشته و یا در داخل آن نیستند اما محتاطانه به عواقب حمله به سوریه برای آمریکا و منطقه فکر می‌کنند و پیام آنها احتیاط است.

در پایان تعداد معدودی نیز مداخله جوی لیبرال و حامی حقوق بشر مربوط به نسل دهه ۱۹۹۰ هستند که تجارب بوسنی، رواندا و کوزوو را داشته‌اند.

اوباما یکی از آنها را که یکی از نمایندگان این مکتب است به نام سامانتا پاول به عنوان سفیر خود در سازمان ملل منصوب کرده است.

وی نویسنده یک کتاب در سال ۲۰۰۲ با نام «مشکلی از جهنم: آمریکا و عصر نسل‌کشی» است و سوریه نیز حقیقتاً یک مشکلی از جهنم است.

این مداخله طلبان لیبرال حامی حقوق بشر صدای غالب در دولت دارای ویژگی احتیاط و عملگرایی مبتنی بر امنیت نیستند. اما آنها نیز حضور دارند.

این مطلب در دوازدهمین سالگرد حملات ۱۱ سپتمبر نوشته شده است که آمریکا را وارد یک دهه جنگ کرد. اما این امریکای فعلی بسیار متفاوت است. من خطاب به بسیاری از منتقدان و دشمنان آمریکا چه در آمریکا و چه در دیگر نقاط جهان تنها می‌گویم که اگر شما جهان سابق را که در آن آمریکا مرتباً مداخله می‌کرد دوست نداشتید، اکنون ببینید آیا این جهان جدید که در آن آمریکا مداخله نمی‌کند را دوست دارید یا خیر!



خط مشی‌های اوباما بوده است. اوباما رییس‌جمهوری است که با این ادعا که به یک دهه جنگ پایان دهد و بر سازندگی تمرکز کند به ریاست جمهوری رسید. بنابراین احساس غالب مردم چیزی است که وی نماینده آن بود و از آن حمایت کرد. اما مضحکه دیگر این بود که اگر ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهوری روسیه و بهترین دشمن اوباما در دقیقه ۹۰ با پیشنهاد خود به نجات وی نمی‌آمد ریاست جمهوری اوباما ضربه‌یی سخت می‌خورد. چند روز پیش این گونه به نظر رسید که اوباما در رای‌گیری مجلس نمایندگان آمریکا با شکست روبه‌رو خواهد شد. عبارت ازوا طلبی عبارتی است که وی از آن چندان دل خوشی ندارد اما اکنون رفتاری است که در میان هر دو گروه دموکرات‌ها و جمهوری خواهان وجود دارد.

این درست است که آمریکا با تاریخی از بی‌تفاوتی نسبت به دیگر نقاط جهان همچون بی‌تفاوتی نسبت به جنگ جهانی اول رو به رو است اما این بار احساسی متفاوت وجود دارد. اگرچه عقب نشینی فعلی بدون شک دارای ریشه‌هایی سنتی در این بی‌تفاوتی است اما این مساله ناشی از کشوری نیست که جسورانه در جهان در حال قدم علم کردن است، بلکه ناشی از کشوری است که هراسان از افول نسبی خود است. در دهه ۱۹۲۰ آمریکایی‌ها نسبت به ظهور چین نگران نبودند اما اکنون هستند. باید همچنین به برخی از دیگر اجزای این کیک آمریکایی اشاره کرد: یکی از آنها اسرائیل است.

به سختی می‌توان تاثیر نگرانی‌ها درباره اسرائیل را بر سیاست خارجه آمریکا در مجموع و همچنین سیاست آن در قبال خاورمیانه به طور خاص رد کرد. برخی از تحلیل‌هایی که در هفته‌های اخیر منتشر شده حاکی از یک سیاست زور در اسرائیل است که نتیجه گرفته بهترین نتیجه برای اسرائیل این خواهد بود که دو مجموعه دشمن قسم خورده آن یعنی ایران و حزب‌الله

از میان همه سخنرانی‌های روسای جمهور تاریخ آمریکا هیچ سخنرانی‌یی عجیب‌تر از سخنرانی چند روز پیش باراک اوباما نبود که طی آن با هیبتی جدی به مردم آمریکا اطلاع داد علیه سوریه به دلیل ابتکار عمل دیپلماتیک جدید روسیه که ممکن است سلاح‌های شیمیایی سوریه را تحت نظارت بین‌المللی درآورد، به تعویق افتاده است.

در جاده منتهی به دمشق، پیچ‌های زیادی پیش روی آمریکا خواهد بود، اما سیاست‌های هفته‌های اخیر از زمانی که حمله شیمیایی در تاریخ ۲۱ اگست در سوریه اتفاق افتاد، مسایل زیادی را درباره آمریکا برای ما فاش می‌سازد.

در درجه اول آنها به ما آن چیزی را می‌گویند که اوباما در سخنرانی خود با استناد به نامه فرستاده شده از سوی یک کهنه کار جنگ به ما گفت، مبنی بر اینکه ملت آمریکا از جنگ خسته و بیزار هستند. البته سایه گمراهی حاصل از اظهارات کالین پاول با اطلاعات غلط مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی صدام همچنان بر روی این بحث وجود دارد اما این مساله، مساله اصلی برای همه آمریکایی‌ها نیست.

به گزارش روزنامه نیویورک تایمز یک نظرسنجی اخیراً نشان داده که ۷۵ درصد از آمریکایی‌ها عقیده دارند که احتمالاً دولت سوریه دست به حمله شیمیایی علیه غیرنظامیان زده اما آنها همچنان قاطعانه مخالف پاسخ نظامی آمریکا که مورد حمایت اوباما قرار دارد، هستند.

هریک از بی‌شمار نماینده کنگره آمریکا که اخیراً با آنها مصاحبه شده چه دموکرات و چه جمهوری‌خواه و چه مخالف و چه موافق جنگ این حقیقت را تایید کردند. تنها از میان هزار قانونگذار آمریکایی که با آنها برای حمایت از اقدام نظامی علیه سوریه رایزنی شده، سه یا چهار نفر موافق آن هستند. این مساله‌ای است که از سوی ایچاه کامینگز، نماینده دموکرات ایالت مریلند ابراز شد.

همچنین سناتور رند پل از ایالت کنتاکی و یکی از ستارگان نوظهور در حزب جمهوری خواه نیز گفت: از هر ۱۰۰ تماس تلفنی به وی یک تماس تلفنی در موافقت با جنگ علیه سوریه است. حقیقت این است که مردم آمریکا خسته و بیزار از جنگ هستند. آنها تصور می‌کنند که دیگر جنگ هیچ منفعتی برای خاورمیانه ندارد و تنها نتیجه آن تریلیون‌ها دلار هزینه بوده و در عین حال آنها هستند که شغل و خانه خود را از دست می‌دهند و برای امرار معاش می‌جنگند و شاهد هستند که مدارس و جاده‌ها و بیمارستان‌های آنها در حال پوسیدن است. اما مضحکه بزرگ این است که این حقیقت یکی از



بخش هشتم

# بحران دموکراسی مدرن در فاصله دو جنگ جهانی

نویسنده: ریچارد بسل  
برگردان: آراز امین نصری

لهستان، بزرگترین کشور چند ملیتی جایگزین، شاید ابهام‌آمیزترین مثال از نحوه تأثیرگذاری کشمکش‌های ملی بر حکومت دموکراتیک باشد. برخلاف یوگوسلاویا و چکسلواکیا، در لهستان ملیت لهستانی در اکثریت بود. با این وجود، برخلاف لهستانی که از دل جنگ جهانی دوم بیرون آمد، جمهوری لهستان در فاصله دو جنگ شامل اقلیت‌های قومی بزرگی بود. حدود ۳۰ درصد از جمعیت آن را گروه‌های غیر لهستانی تشکیل می‌دادند که مهم‌ترین آن‌ها بلاروس‌ها، اوکراینی‌ها، یهودیان و آلمانی‌ها بودند. به یقین، تمایل این گروه‌های قومی برای کسب حق نمایندگی سیاسی برای خود برای پیشبرد منافع گروهی‌شان، به ثبات نظام پارلمانی که به دلیل تعدد احزاب و جایگزینی دولت‌های ضعیف به دنبال هم دچار آفت شده بود، نمی‌افزود. صحنه سیاست لهستان در فاصله دو جنگ، آغشته به سوءظن متقابل میان ملیت‌های آن و گرایش نیرومند یهودستیزی بود. با این حال، دلیل اصلی فروپاشی حکومت دموکراتیک را نباید در تنش‌های بین قومی در لهستان جست‌وجو کرد؛ بلکه برعکس، این مشکلات غیرعادی اقتصادی، تنش‌های اجتماعی و چندگانه‌گی احزاب سیاسی نماینده‌گی‌کننده از منافع قشری بود که در نهایت، تداوم حکومت دموکراتیک را غیرممکن ساخت.

ملغا شد. از نظر آکساندر، شکاف‌های حزبی که عمدتاً شکاف‌های قومی را بازتاب می‌داد، حکومت پارلمانی را غیرممکن ساخته بود. او ادعا می‌کرد که وظیفه مقدس من صیانت از اتحاد ملت و دولت به هر وسیله ممکن است (به نقل از پاولویچ ۱۹۷۱: ۷۴). هیچ اعتراضی به این کودتای سلطنتی که ضد کمونیست‌ها را در قوه مقننه تقویت و احزاب مبتنی بر قشرگرایی‌های منطقه‌یی، دینی و قومی را ممنوع اعلام کرد، صورت نگرفت و یوگوسلاویا به جرگه رو به روشد کشورهای اروپایی پیوست که به حکومت پارلمانی پشت کرده بودند. هنگامی که شکاف‌های ملیتی آشکارا حکومت پارلمانی را در یوگوسلاویا تضعیف می‌کرد، جریان امور در چکسلواکیا به شکل دیگری پیش رفت. این کشور چندملیتی (شامل چک‌ها، اسلواک‌ها، مجارها، آلمانی‌زبان‌ها که عمدتاً در منطقه سودتن زنده‌گی می‌کردند) نه تنها توانست پایداری اقتصادی و پایداری نسبی نرخ ارز را در سال‌های پر آشوب پس از جنگ اول حفظ کند، بلکه هم‌چنین نظام پارلمانی هم در آنجا پابرجا ماند. مسأله قومیت‌ها تا زمانی که با اعمال سیاست قدرت‌های بزرگ از خارج از مرزها در نیامیخته بود و تا هنگامی که اقلیت آلمانی در اواخر دهه ۱۹۳۰ نقش یک گورکن را برای چکسلواکیای بین دو جنگ بازی نکرده بود، به یک مشکل حیاتی برای کشور تبدیل نشد. طی پانزده سال اول حیات کشور چندملیتی چکسلواکیا، اکثریت آلمانی تبارهای آن حامی فرایند دموکراتیک

دهه ۱۹۳۰ تغییر کرد که جذابیت‌های مشکوک حکومت نازی در فراسوی مرزها، (به عنوان نظامی ضد دموکراتیک، ملی‌گرا و نژادپرست) در فراسوی مرزها افکار عمومی آلمانی تبارهای سودتن را عمیقاً تغییر داد. در ۱۹۳۵ حزب تازه تاسیس و طرفدار نازی‌های SudetenDeutsche Parti به رهبری یک معلم گمنام ژیمیناستیک به نام کونراد هنلین توانست بیشتر رای آلمانی تبارها را به خود جذب کند. گرچه نازی‌ها از شکاف‌های قومی درون کشور سود می‌بردند، با این وجود هم عامل تسهیل‌گر و هم ماشین تحولاتی که منجر به نابودی حکومت پارلمانی چکسلواکیا در ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹ شد، منشا بیرونی داشت. نابودکننده حقیقی دموکراسی پارلمانی چکسلواکیا کسی نبود جز آدولف هیتلر. از آن‌چه گفته شد، چه نتایجی باید گرفت؟ این نتیجه که شکاف‌های قومیتی برای نظام‌های پارلمانی دموکراتیک مرگ‌بار بودند. با این حال، در پادشاهی متحد انگلستان که آن‌هم یک کشور چندملیتی بود، نظام پارلمانی توانست دوام بیاورد. هنگامی که به چشم‌انداز سیاسی اندوه‌بار اروپا در فاصله بین دو جنگ نگاه می‌کنیم، این کشورهای دارای کشمکش‌های قومی نبودند که تکان‌دهنده‌ترین فروپاشی‌های حکومت دموکراتیک را تجربه کردند. با وجود اقلیت‌های قومی نسبتاً کوچک در ایتالیا (که یک اقلیت اتریشی آلمانی در مناطق Alto Adige و Südtirol داشت) و آلمان (که یک اقلیت لهستانی عمدتاً مستقر



بخش دوم

## خودشیفته‌گی فرهنگی و ناکامی قومی

داکتر احمدعلی نوربالا

سیر شکل‌گیری «ارزش خود» Kohut یکی از افرادی است که روی ارزش خود، تحقیق و در سال ۱۹۷۷ بیان کرد که گرایش فطری خود هسته‌یی در کودکی به طور معمول در دو جهت؛ استعداد بزرگی و عظمت یا آرمانی شدن و استعداد تحسین و آرمانی کردن سوق می‌یابد. مسیر نخست، باعث ایجاد تمایل به رهبری و مسیر دوم، باعث تمایل به پیروی می‌شود. او معتقد است همه آن‌ها در مسیر رشد خود با یک «ناکامی بهینه» و «درونی سازی دگرگون‌ساز» طی سالیان دراز مواجه می‌شوند که در شکل مطلوب و طبیعی، مسیر نخست به بلندپروازی عاقلانه و واقع بینانه رشد می‌یابد و مسیر دوم به نظام خودمختار از آرمان‌ها و ارزش‌ها تبدیل می‌شود.

در مورد «ارزش خود» فرضیه‌های مختلفی وجود دارد که یکی از آن‌ها فرضیه Raskin در سال ۱۹۹۱ است. در این فرضیه، خودشیفته‌گی یک واکنش روانی دفاعی و حمایتی است. خودبزرگ‌بینی خصمانه که انعکاسی از پرخاش‌گری، تسلط‌طلبی، احساس محق بودن و بهره‌کشی است، همه‌گی واکنش‌هایی در برابر احساس تردید، حقارت و افسرده‌گی است که فرد در درون خود از آن رنج می‌برد.

Wink در سال ۱۹۹۱ خودشیفته‌گی را به دو نوع آشکار و پنهان تقسیم‌بندی کرد. خودشیفته‌گی آشکار با خودبزرگ‌بینی و نمایش‌گری همراه است که از مولفه‌های آن، از خود مطمئن بودن، پرخاش‌گری، نمایش‌گری (موقفیت‌ها را به نمایش گذاشتن و لاف زدن)، بی‌توجهی به نیازهای دیگران و لذت‌طلبی است. در خودشیفته‌گی پنهان که با آسیب‌پذیری و حساسیت همراه است، فرد اضطراب، موضع دفاعی در موقعیت‌های اجتماعی و حساسیت بیش از حد دارد و در ارتباطات اجتماعی ساکت است و البته این افراد یک‌دنده‌گی، لجبازی، تکبر، غرور و لذت‌طلبی هم دارند.

در سال ۲۰۰۲، Watson فرضیه‌یی مطرح کرد که در آن پیوستاری از خودشیفته‌گی تا ارزش خود وجود دارد و معتقد بود که تحول ارزش خود، بر اساس حرکت از یک خودشیفته‌گی خام و کودکانه به سوی یک ارزش خودسالم و بالغانه است.

حضرت علی (کرم‌الله وجهه) نیز در این زمینه می‌فرماید: «شر الامور الرضا عن النفس» (غیرالحکم - ۴۴۶) بدترین شرها این است که انسان از خود راضی باشد.

خصایص بالینی

افراد خودشیفته، احساس خودبزرگ‌بینی دارند و خود را فرد مهمی می‌دانند. تصور می‌کنند فرد منحصر به فردی هستند و دیگران باید با شیوه خاصی با آن‌ها همراهی کنند. احساس برتری و استحقاق آن‌ها کاملاً چشم‌گیر است. تاب انتقاد ندارند و از این‌که هر کسی اجازه انتقاد کردن از آن‌ها را داشته باشد، عصبانی می‌شوند یا به انتقادها کاملاً بی‌اعتنایی می‌کنند. این افراد فقط نظر خود را قبول دارند و در طمع کسب شهرت و ثروت بادآورده هستند. روابط آن‌ها شکننده است و به دلیل آن‌که به قواعد مرسوم رفتار تن در نمی‌دهند، ممکن است دیگران را نیز عصبانی کنند.

رفتار استثمارگرانه در روابط بین فردی آن‌ها کاملاً پیش پا افتاده و رایج است؛ زیرا نمی‌توانند از خود همدلی نشان دهند و فقط برای دست‌یابی به اهداف خودخواهانه‌شان، تظاهر به همدردی می‌کنند.

خودشیفته‌گی و مدیریت

برجسته‌گی گرایش به احساس خودبزرگی، باعث می‌شود قدرت و مدیریت برای فرد خودشیفته، به عنوان بزرگ انگاشته شدن، تحسین شدن و هدایت‌گر بودن، شغل جذابی به حساب آید و متأسفانه این امر باعث می‌شود که «مدیریت» حرفه‌یی آسیب‌پذیر باشد.

Otto kernberg یکی از افرادی است که روی مدیریت و خودشیفته‌گی در آن کار کرده و معتقد است مدیران خودشیفته ممکن است با استعداد و پرکار باشند، اما نیازشان به تحسین آن‌ها را از اصل کار دور کند یا باعث می‌شود اطراف‌شان پر از افراد متملق شود که به نیاز آن‌ها به تمجید پاسخ مثبت دهند، نه کسانی که صلاحیت دارند.

باید به این نکته توجه داشت که گرایش‌های نارسیستیک «رهبر» یا «پیرو» یا احساس «خودبزرگی» و «آرمانی‌سازی» کم‌وبیش در افراد وجود دارد و میزان آن در افراد گوناگون متفاوت است.



با وجود اقلیت‌های قومی نسبتاً کوچک در ایتالیا (که یک اقلیت اتریشی آلمانی در مناطق Alto Adige و Südtirol داشت) و آلمان (که یک اقلیت لهستانی عمدتاً مستقر در منطقه مرزی شرقی داشت) و هسپانیه (که بیشتر مردم باسک و کاتالان حامی نظام جمهوری در برابر فرانکو بودند) تنش‌های قومی دارای اهمیت اساسی در زوال حکومت دموکراتیک نبودند. بنابراین به نظر می‌رسد که درگیری‌های داخلی بین ملیت‌ها یکی از عناصر ضروری سقوط دموکراسی نیست و همگنی قومی و نژادی هم تضمین قاطعی برای ثبات دموکرات نیست. اما دست‌کم می‌توان یقین داشت که شکاف‌های عمیق قومی، مفید و کم‌کننده نیستند!

در منطقه مرزی شرقی داشت) و هسپانیه (که بیشتر مردم باسک و کاتالان حامی نظام جمهوری در برابر فرانکو بودند) تنش‌های قومی دارای اهمیت اساسی در زوال حکومت دموکراتیک نبودند. بنابراین به نظر می‌رسد که درگیری‌های داخلی بین ملیت‌ها یکی از عناصر ضروری سقوط دموکراسی نیست و همگنی قومی و نژادی هم تضمین قاطعی برای ثبات دموکرات نیست. اما دست‌کم می‌توان یقین داشت که شکاف‌های عمیق قومی، مفید و کم‌کننده نیستند!

بودند. در سال ۱۹۲۰، سوسیال‌دموکرات‌ها تبدیل به نیرومندترین حزب سیاسی آلمانی در چکسلواکیا شدند و این وضعیت را تا ۱۹۳۵ هم حفظ کردند (بروگل ۱۹۷۳: ۹). احزاب آلمانی طی دهه ۱۹۲۰ در دولت پراگ مشارکت داشتند و سیاست‌مداران آلمانی‌زبان در سمت وزیر در کابینه ایفای نقش می‌کردند، در حالی که الگوی رای‌دهی مبتنی بر ملیت در بین آلمانی تبارها رو به افول بود. این وضع تنها هنگامی در میانه

اما در یوگوسلاویا اوضاع قدری متفاوت بود. یوگوسلاویا یا به‌طور دقیق‌تر پادشاهی صرب‌ها، کروات‌ها و اسلونی‌ها که در اول دسامبر ۱۹۱۸ اعلام موجودیت کرد، مخلوط پیچیده‌یی از ملیت‌ها بود که در تعدد احزابی که در پارلمان حضور داشتند و هر یک به دنبال دفاع از منافع گروه ملی خود بودند، نمود می‌یافت. گروه‌های قومی در یوگوسلاویا بسیار متنوع بودند: از اسلونی‌ها، در شمال تا آلبانیایی‌ها و مقدونی‌ها در جنوب به همراه آلمانی‌ها، مجارها و رومانی‌ها در کنار بزرگ‌ترین گروه‌های قومی یعنی صرب‌ها و کروات‌ها.

پادشاهی مشروطه متمرکز و پارلمانی جدید، که براساس قانون اساسی مصوب ۱۹۲۱ در مجلس موسسان شکل گرفته بود، مدت زیادی دوام نیاورد. دولت‌های زودگذر و کشمکش سیاسی، نمادهای کشور جدید بودند که در نهایت با تیراندازی به پنج نماینده کروات در یک مشاجره خونین‌بار پارلمانی در جون ۱۹۲۸ ختم شد. ۳ نفر از آن‌ها از پای درآمدند و حکومت پارلمانی در جنوری ۱۹۲۹ به دستور پادشاه آکساندر



**محمد اکرام اندیشمند/  
بخش پنجم و پایانی**



# مسعود از تولد تا قهرمانی



احمدشاه مسعود در یازدهم قوس ۱۳۷۷ (۲ دسمبر ۱۹۹۹) در پنجشیر جلسه‌یی را متشکل از سه‌صد تن از فرماندهان مناطق و اقوام مختلف افغانستان، رهبران گروه‌ها و احزاب مجاهدین برای ایجاد هماهنگی و اتخاذ استراتژی واحد مبارزه و مقاومت علیه طالبان دایر کرد و با برگزاری این اجلاس، موفق به بازگرداندن رهبران و فرماندهان بیشتر و گسترش مقاومت و جنگ در ولایات مختلف شرقی، مرکزی و شمال غربی کشور شد. سخت‌ترین و نابرابرترین جنگ احمدشاه مسعود با نیروهای طالبان و متجاوزین خارجی، در تابستان ۱۳۷۹ در تالقان به وقوع پیوست. این جنگ با هجوم بیست‌هزار تن از نیروی طالبان، تروریستان القاعده و متجاوزین پاکستانی برای تسخیر تالقان و تصرف بدخشان و تمام مناطق عقبی در شمال و شمال شرق وادی پنجشیر، بیش از یک‌ماه طول کشید. در این جنگ نیروهای خارجی در میان طالبان بیشتر از نیروی بومی طالب بود. هرچند طالبان و لشکر تجاوز و ترور خارجی، تالقان را پس از یک‌ماه جنگ خونین تصرف کردند، اما جلو پیشروی آن‌ها را احمدشاه مسعود به سوی بدخشان و دره‌های شمال شرق هندوکش گرفت.

احمدشاه مسعود در طول سال‌های مقاومت و جنگ با طالبان و تروریسم، از هر فرصت و زمانی برای مذاکره با طالبان نیز استفاده کرد تا آن‌ها را از وابستگی به بیگانه و همدستی با تروریسم و تداوم کشتار و جنگ، به سوی صلح بکشاند. اما این مذاکرات به نتیجه‌یی نرسید. هم‌چنان او در این سال‌ها سعی نمود که جامعه بین‌المللی به‌خصوص ایالات متحده امریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد را متقاعد به اعمال فشار علیه پاکستان در قطع دخالت و تجاوز به افغانستان نماید و آن‌ها را از عواقب حاکمیت طالبان و سلطه تروریسم بر منطقه و جهان آگاه سازد. مسعود در این سال‌ها پیوسته با افراد و نماینده‌گان مختلف رسمی و غیر رسمی مجامع جهانی چه در داخل افغانستان و چه در خارج از کشور به مذاکره و گفت‌وگو پرداخت تا حقانیت مبارزه و مقاومت خود را به گوش آن‌ها برساند و همکاری آن‌ها را در استقرار صلح و ثبات در کشورش جلب نماید. عمده‌ترین مذاکرات او در این مورد با جامعه اروپایی در مقر پارلمان اروپا در شهر استراسبورگ فرانسه بود. احمدشاه مسعود در سیزدهم حمل ۱۳۸۰ با مقر پارلمان اروپا سفر کرد و در مذاکرات مختلف و جلسات متعدد با مقامات رسمی و غیر رسمی جامعه اروپا، اهداف و خواسته‌های خود را از مبارزه و مقاومت تشریح نمود. او در همین سفر در برابر پرسش خبرنگاران، از پیامش به رییس‌جمهور امریکا گفت: «پیام من به آقای بوش این است که جنگ افغانستان و وجود پایگاه‌های تروریستی تنها به افغانستان محدود نمی‌ماند، بلکه دیر یا زود این خطرات گریبان‌گیر امریکا و تعداد بیشتری از کشورها در منطقه و جهان خواهد شد.» پیامی که تا چهار ماه دیگر حقانیت خود را ثابت ساخت.

**شهادت**

احمدشاه مسعود در طول دوران مبارزه و مقاومت برای استقرار عدالت و آزادی در افغانستان، پیوسته در معرض از دست دادن جان و زنده‌گی خویش قرار داشت. اما در این دوران که دو و نیم دهه از عمرش را در بر گرفت، چند بار نقشه‌ها و برنامه‌های منظمی برای قتل او چیده شد؛ نقشه‌هایی که همه نقش بر آب گردیدند. نخستین توطئه برای قتل او در سال ۱۳۵۴ از سوی گلبدین حکمتیار به‌راه افتید که قبلاً از آن سخن رفت. دومین تلاش برای قتل مسعود در تابستان ۱۳۵۸ زمانی صورت گرفت که موصوف جبهه جنگ را در جیل السراج و دامنه‌های سالنگ جنوبی علیه حکومت تره‌کی و امین فرماندهی می‌کرد. او در این هنگام از عقب جبهه توسط عضو یکی از گروه‌های مائویستی مورد اصابت گلوله قرار گرفت.

تلاش‌ها و نقشه‌های بعدی در ترور و حذف فیزیکی احمدشاه مسعود، توسط قوای اشغال‌گر شوروی، کی جی بی، نیروهای مسلح دولت حزب دموکراتیک خلق و سازمان جاسوسی آن «خاد» انجام یافت. در طول دوران جهاد و مبارزه مسلحانه احمدشاه مسعود، قوای هوایی ارتش سرخ و رژیم حزب دموکراتیک خلق، ده‌ها بار مناطق و محلاتی را برای نابودی او بر مبنای اطلاعات جاسوسان کی جی بی و «خاد» بمباران کردند. در حالی که مسعود در سالیان جهاد و مقاومت علیه تجاوز قوای شوروی و حاکمیت رژیم دست‌نشانده آن، بی هم محل خواب و اقامت خود را تغییر می‌داد. این‌گونه بمباران‌های هوایی که بسیار با شدت و حجم سنگین آتش باروت و بمب صورت می‌گرفت، موجب اطمینان قاطع مسئولین کی جی بی در افغانستان مبنی بر قتل وی می‌شد و بر این پایه، خبر قتل مسعود را به دفتر مرکزی خود در مسکو مخابره می‌کردند. آن‌گونه که جنرال بوریس گروموف آخرین فرماندان قوای شوروی در افغانستان می‌نویسد: «مأمورین کی جی بی در افغانستان به گونه واضحی وقار خود را به دست خود پایمال کردند. آن‌گونه که من به خاطر دارم، آنان بیش از ده بار به مسکو گزارش دادند که مسعود به دست آن‌ها نابود شده است؛ در حالی که مسعود گاه از یک منطقه و گاهی از منطقه‌یی دیگر سر برمی‌آورد.» (ارتش سرخ در افغانستان، صفحه ۱۲۱)

علاوه بر بمباران‌های هوایی، «خاد» سازمان جاسوسی رژیم حزب دموکراتیک خلق، با گماشتن جاسوسان خود تلاش‌های ناکامی را برای ترور احمدشاه مسعود انجام داد. در چند بار جاسوسان خاد با تفنگچه بی‌صدا مأمور قتل مسعود شدند که قبل از اقدام دستگیر گردیدند. باری یکی از این افراد به اسم کامران که از سوی داکتر نجیب‌الله حین ریاستش در اداره «خاد» به قتل احمدشاه مسعود گماشته شده بود، خود مأموریتش را افشا کرد و تفنگچه بی‌صدای خاد را تسلیم نمود. تلاش‌های نافرجامی برای کشتن مسعود توسط زهریاتی که با غذایش مخلوط می‌گردید نیز از سوی خاد انجام یافت. نقشه‌های ترور

او با انفجاراتی که از راه دور کنترل می‌شد به‌ویژه در دوران دولت مجاهدین در کابل بارها خنثا گردید. وی درسال ۱۳۳۷ از توطیه‌یی که برای قتل او توسط صمد پاچا از سران ملیشایی حکومت نجیب‌الله در خواجه‌غار ریخته شده بود، جان سالم به‌در برد. او هم‌چنان در قوس ۱۳۷۱ از آتش کلاشینکوف یکی از ملیشه‌های جنرال عبدالرشید دوستم در وزیر اکبر خان کابل نجات یافت. باری در خزان ۱۳۷۳ چرخيال حامل او در حالی از تعقیب و راکت‌باران هواپیماهای بمب‌افکن و شکاری عبدالرشید دوستم در ولسوالی نهرین نجات یافت که دو فروند چرخيال همراه وی توسط آتش جنگنده‌های دوستم توزانی شدند. اما در تمام این سال‌ها و در تمام تلاش‌ها و نقشه‌هایی که برای قتل مسعود انجام یافت، طرح ترور و حذف فیزیکی او با حمله انتحاری به میان نیامد؛ تا آن‌که سازمان تروریستی القاعده، مرتکب این جنایت شد.

\*\*\*

طرح ترور و حذف فیزیکی احمدشاه مسعود، بعد از سقوط تالقان توسط سازمان تروریستی القاعده، طالبان و آی.اس.آی روی دست گرفته شد. هنوز اطلاعات دقیقی وجود ندارد که طرح حمله انتحاری به جان احمدشاه مسعود خارج از حلقه خاص طالبان، القاعده و آی.اس.آی، به چه سازمان‌های اطلاعاتی و حلقه‌های جاسوسی دیگری برمی‌گردد. اما حمله تروریستی، توسط دو تن اعضای تازی القاعده عملی گردید. عبدالستار دهمن که همسرش ملکه با سایر فامیل‌های اعضای القاعده درحومه جلال آباد زنده‌گی می‌کرد، با پاسپورت بلژیکی به اسم محمد کریم توزانی و «السوریر» کارگر ساختمانی شهر برکسیدل بلژیک به اسم محمدقاسم بقالی که هر دو مراکشی بودند، به نام خبرنگار در اسد ۱۳۸۰ از طریق کابل وارد ولایت پروان شدند. آن‌ها وقتی به کابل آمدند، توسط نامه رسمی وزارت خارجه طالبان به وزارت دفاع طالبان معرفی شدند تا به همکاری آن وزارت، جهت انجام امور خبرنگاری به ولایت پروان و کاپیسا بروند. پاسپورت آن‌ها ویزای یک‌ساله «کثیرالورود» پاکستان را داشت که توسط خلیل‌الرحمن سکرتر اول سفارت پاکستان در لندن صادر شده بود. هر دوی‌شان نامه‌یی از «باسراتوفیق السری» مدیر یک انجمن اسلامی به نام «المرصد الإعلامی الاسلامی» در لندن، عنوانی عبدالرب رسول سیاف رهبر اتحاد اسلامی داشتند. یاسر توفیق از اهالی مصر سال‌ها قبل در کشورش به جرم توطئه ترور حسنی مبارک رییس‌جمهور مصر متهم و به مرگ محکوم شده بود، اما قبل از دستگیری به انگلستان فرار کرد و درخواست پناهنده‌گی داد. او پناهنده سیاسی پذیرفته شد و پاسپورت انگلیسی به‌دست آورد. علاوه بر نامه یاسر توفیق، تبعه دیگر مصری به نام داکتر هانی که در دوران جهاد علیه قوای شوروی با رهبر اتحاد اسلامی شناخت و دوستی داشت، در صحبتی تلفونی از او خواست تا با خبرنگاران مذکور همکاری نماید. داکتر هانی وانمود کرد که از بوسنیا گپ می‌زند، در حالی که بعداً در بررسی‌ها، شماره تلفون او از قندهار ردیابی شد.

خبرنگاران جعلی پس از روزها اقامت در شمالی، پنجشیر و تخار و اشتیاق شدید به مصاحبه با احمدشاه مسعود، سرانجام به روز هژدهم سنبله ۱۳۸۰ برابر با نهم سپتمبر ۲۰۰۱ برای مصاحبه با وی در خواجه بهاءالدین ولایت تخار آماده شدند. در این مصاحبه محمد کریم توزانی یا همان عبدالستار دهمن در نقش پرسش‌گر و «السوریر» یا محمدقاسم بقالی در نقش فلم‌بردار ظاهر گردیدند. در نخستین لحظات مصاحبه، محمدقاسم بقالی فرد اصلی عملیات انتحاری که در مقابل احمدشاه مسعود قرار گرفت، بمبی را که در کمر خود به

جای بطری‌های کامره جاسازی کرده بود، منفجر ساخت. آتش اصلی انفجار، مسعود را نشانه گرفت و دقیقاً قلبش را. او در همان لحظات آغاز انفجار جان به جان آفرین تسلیم کرد. «انا لله و انا الیه راجعون».

محمد عاصم سهیل از کارمندان وزارت خارجه که در کنارش نشسته بود نیز جان داد. مسعود خلیلی سفیر افغانستان در دهلی که برای ترجمه مصاحبه حضور داشت، به‌شدت مجروح گردید و فهم دشمن خبرنگار داخلی که در وسط اتاق مصروف عکس‌برداری بود، جراحات خفیف برداشت. بدن محمدقاسم بقالی متلاشی گردید و محمد کریم توزانی که بدون برداشتن جراحاتی در حال فرار بود، توسط مجاهدان به قتل رسید.

پیکر خونین احمدشاه مسعود به سرعت توسط محافظانش ذریعه چرخيال به فرخار تاجیکستان انتقال یافت. بدنش از صورت تا کمر مورد اصابت پارچه‌های متعددی قرار گرفته بود. سینه‌اش سوراخ‌سوراخ و خون‌چکان بود. در روی قلبش دو سوراخ عمیق به چشم می‌خورد. قسمتی از انگشتان راستش قطع شده بود و به جانب راست بدن، زخم بزرگی دیده می‌شد. مرگ او را هم‌سنگران و یاران نزدیکش که بر سر پیکر خسته و خونینش گریستند، مخفی نگه داشتند. جسدش را در سردخانه‌یی گذاشتند و هشت روز بعد پیکر او را به زادگاهش در وادی پنجشیر آوردند و به روز بیست‌وششم سنبله ۱۳۸۰ در میان اشک و اندوه واقعی مردم و هم‌زمانش در «سریچه»، تپه بلندی میان رخه و بازارک، به خاک سپردند. هنوز توده‌های خاک را به رویش انبار نکرده بودند که لوحه‌یی در کنار مزارش نصب شد و شاعر سوگواری نام و نشانش را در دل خاک این‌گونه به تصویر کشید:

در این‌جا مرد بااینار خفته  
عقاب صحنه پیکار خفته  
قدم آهسته بردار از کنارش  
که مسعود سپه‌سالار خفته

**سجایا و شخصیت**

احمدشاه مسعود مردی با قدی متوسط مایل به بلندی بود. پوست گندمی صاف و روشنی داشت. چشمان سیاه تیزبین، نافذ و کنجکاو؛ نظر هر بیننده‌یی را به خود جلب می‌کرد. سری بزرگ با موی مجعد انبوه و سیاه داشت که در سال‌های اخیر سفیدی‌هایی در میان موی‌هایش به چشم می‌خورد. ریشش برخلاف موی سرش، باریک و اندک بود. بینی عقبایی و روی استخوانی داشت. بدن ماهیچه‌دار و عضلانی، شانه و سینه فراخ و پهن و شکم فرو رفته داشت. در مجموع هیأت و ریخت ظاهری‌اش زیبا و جذاب بود. در لباس پوشیدن، باسلیقه و پاک بود. لباس‌های روشن و بیشتر رنگ‌کریمی متمایل به خاکی و رنگ آبی روشن را می‌پسندید. در تمام روزهای دوران جهاد و مقاومت و ایام کار رسمی، دریشی نظامی به رنگ خاکستری و یا سبز کم‌رنگ به تن داشت. دایم به سرش کلاه پکول می‌گذاشت که به یک‌طرف سر تمایل پیدا می‌کرد.

بیشتر اوقات به‌خصوص در دوران جهاد، به گردش دستمال می‌آویخت. در لباس پوشیدن، سخن گفتن و حرکات خویش از کسی تقلید نمی‌کرد. برعکس، اطرافیان، هم‌زمان و کسانی که حتا از نزدیک او را ندیده بودند، می‌کوشیدند که از او تقلید کنند. زبان مادری‌اش فارسی بود که آن را به لهجه خاص درهم آمیخته پنجشیری و کابلی صحبت می‌کرد. به زبان فرانسوی به‌راحتی سخن می‌گفت. زبان پشتو و اردو را می‌فهمید. به زبان عربی آشنایی داشت. به ورزش علاقه‌مند بود. ورزش

صبحگاهی را ترک نمی‌کرد. ورزش‌های بکس، تکواندو، فوتبال، والیبال و شنا را یاد داشت و گاهی در اوقات فراغت به فوتبال و شنا می‌پرداخت. از رنگ‌ها رنگ آبی؛ از غذاها شوریبا؛ از میوه‌ها سیب و انبه؛ و از سلاح دستی کلاشینکوف را بیشتر می‌پسندید. در راه رفتن با تندی و استواری قدم برمی‌داشت. در مصافحه دست می‌داد و کمتر آغوش باز می‌کرد. از روی‌بوسی به جز در موارد استثنایی که مجبور می‌شد، اجتناب می‌ورزید. به اطفال شفقت و مهربانی داشت. با بزرگان و اهل علم و فضل، با احترام و تواضع برخورد می‌کرد. هیچ‌گاه در حالت خشم و غضب سخن ناسزا، فحش و دشنام را به زبان نمی‌آورد. هرچند در موقع قهر و خشم، مجرم و خطاکار را به‌دست خود تنبیه می‌کرد، اما با دوستان و یارانش صمیمی بود و در برابر دشمنان، گذشت و مدارا داشت. با اسیران دشمن، نیک و بشردوستانه رفتار می‌کرد و در نگره‌داری آن‌ها جدا اصول اخلاقی را رعایت می‌داشت. در برخورد با عام مردم با گشاده‌رویی و به دور از تظاهر عمل می‌کرد. عمل زشت و خلاف قانون و مصالح عامه را تقبیح می‌نمود و عاملینش را بد می‌دید. از ستمگر و ستم و از فساد و بی‌عدالتی تنفر داشت و در برابر ظلم و بی‌عدالتی به‌شدت می‌ایستاد و مخالفت می‌ورزید. تظاهر و ریاکاری را نمی‌پسندید. تملق را نکوهش می‌کرد. در انتظار عام کمتر ظاهر می‌شد. گپ و کلامش همیشه شفاف و کوتاه بود. اصطلاح «جان‌گپ» را در گفت‌وگو با اطرافیان به کار می‌برد. با اختصار و روشنی «جان‌گپ» را به مخاطب ارایه می‌کرد و از مخاطب نیز می‌خواست تا «جان‌گپ» را بگوید. گپ طرف را به دقت می‌شنید، در گفت‌وگوها و پرسش‌ها بسیار حاضر جواب بود. قدرت درک و تفهیمش در سطح عالی قرار داشت. برای افرادی که در پای کلامش می‌نشستند، شخصیتی جذاب و قابل اعتماد محسوب می‌شد. صولت و صلاحیت شخصیتش، مخاطب را تحت تأثیر و نفوذ می‌گرفت. هر کس که به او نزدیک می‌شد، خود را در افکار و آرمان با او هماهنگ احساس می‌کرد، از همراهی و اطاعتش لذت می‌برد و به وجد می‌آمد. شجاعت، پشتکار و پایداری عجیب و شگفت‌انگیزی داشت. هیچ‌گاه بی‌روحیه و ناامید نمی‌شد. اراده و تصمیم محکم و غیرقابل تسخیر داشت. در برابر تمام مسایل با عقلانیت برخورد می‌کرد. از پذیرش و عمل بر مبنای عاطفه و احساسات دوری می‌جست. از همین جهت در امور نظامی و فعالیت محاروبی، به کار اطلاعاتی و کشف اهمیت اساسی می‌داد و در نتیجه این روش، شبکه اطلاعاتی بسیار نیرومند و منظمی را به وجود آورد.

به شورا و مشورت اهمیت جدی می‌داد و اغلب بدون مشورت و دقت عمیق، به کار و عملی اقدام نمی‌کرد. به کتاب و مطالعه دل‌چسپی داشت. در هر حالتی کتاب را با خود انتقال می‌داد و از هر فرصتی برای مطالعه استفاده می‌کرد. مباحثه و مناظره‌های علمی، سیاسی و ادبی را با دانشمندان و روشن‌فکران می‌پسندید. به شعر فارسی علاقه‌مند بود و دیوان شعر حافظ شیرازی را اکثراً با خود داشت.

آدمی سخت متدین، مومن، عقیف، عابد و پرهیزکار بود. دین را عامل رهبری و کمال شخصیت انسان تلقی می‌کرد. نمازهای پنج‌گانه را در وقتش با جماعت ادا می‌کرد. نمازش بسیار خاضعانه و خشوعانه بود. همیشه با وضو به سر می‌برد. قبل از رفتن به خواب شبانه، نماز تهجد می‌خواند. به اسلام عشق داشت و در دوران جهاد، به آگاهی خود از دانش و معارف اسلامی با فراگیری دروس دینی از علمای محلی افزود. با تعبیرهای افراط‌گرایانه و متحجرانه از اسلام مخالف بود. اسلام را دینی معتدل می‌پنداشت و به توانایی و نقش اسلام در کمال و سعادت جامعه از راه حفظ و گسترش ارزش‌های اخلاقی تأکید می‌کرد. او به تشکیل حکومت معتدل اسلامی و ملی در افغانستان و همزیستی مسالمت‌آمیز با جامعه بین‌المللی، هم معتقد و هم متعهد بود. ثبات سیاسی را در کشور با ایجاد یک دولت ملی ممثل اراده و خواسته‌های برحق و عادلانه مردم در پیوند می‌دانست. جدا خواهان یک افغانستان با ثبات و مقتدر از لحاظ سیاسی، و کشوری پیشرفته و شکوفا از لحاظ اقتصادی بود.

آزادی مردم و وطنش را به‌شدت دوست داشت. هیچ‌گاه استقلالیت خود، مصالح مردم و منافع میهنش را با هیچ بیگانه‌یی به سازش و معامله نگذاشت. تحقق صلح و ثبات در وطن، تأمین عدالت اجتماعی، رفاه مردم و پیشرفت کشور و ایجاد یک افغانستان مقتدر و مستقل، آرزوهای دیرین و همیشه‌گی‌اش را می‌ساختند.

هنگام شهادت ۴۹ سال داشت. با دختر یاورش حاجی تاج‌الدین در دوران جهاد در سال ۱۳۶۶ (۱۹۸۸م) ازدواج کرد. این ازدواج به دلایل امنیتی، دور از انتظار عامه صورت گرفت. تا زمان شهادت، صاحب یک پسر و پنج دختر شد.

**روانش شاد و فردوس برین جایش باد!**





## کمیسیون مستقل انتخابات:

# ۲۰ نامزد احتمالی انتخابات ریاست جمهوری بر گه‌های معلوماتی دریافت کردند

ناجیه نوری

برای بیست‌تن از نامزدان احتمالی انتخابات ریاست جمهوری کشور بر گه‌های معلوماتی توزیع گردیده است.

کمیسیون انتخابات با ابراز این مطلب می‌گوید، تاکنون بیست بر گه معلوماتی به نامزدان احتمالی انتخابات ریاست جمهوری توزیع شده؛ اما این که چه تعداد از آنان واجد شرایط برای نامزدی اند، بعداً مشخص خواهد شد.

نور محمد نور سخنگوی کمیسیون مستقل انتخابات به روزنامه ماندگار گفت، تمام شرایط در قانون ذکر شده و نامزدان احتمالی باید این شرایط را تکمیل کرده و به کمیسیون انتخابات ارایه کنند و ما بر اساس همان شرایط این افراد را در لیست نامزدان

احتمالی ثبت می‌کنیم. سخنگوی کمیسیون انتخابات افزود، ولی این که چه کسانی می‌توانند در لیست نهایی راه پیدا کنند، مربوط به کمیسیون شکایات انتخاباتی است و آن کمیسیون در این مورد تصمیم‌گیرنده است.

قرار است آغاز ثبت نام نامزدان انتخابات ریاست جمهوری در ۲۵ سنبله آغاز و الی ۱۴ میزان سال روان ادامه پیدا کند.

کمیسیون مستقل انتخابات اعلام کرد که بر اساس قانون هر افغان واجد شرایط می‌تواند خود را کاندیدا نمایند.

همچنان گفته می‌شود که کمیسیون مستقل انتخابات پیش شرطها برای نامزدان ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی را افزایش داده است.

بر اساس این شرایط افرادی که خواهان نامزد شدن

## امریکا ۲۰ هزار سرباز خود را در افغانستان نگه می‌دارد



حسین سید، رییس کمیته سنای پاکستان در امور دفاعی در بازگشت از افغانستان پس از چهار روز سفر به این کشور اعلام کرد که در دیدار با مقام‌های افغانستان در کابل، مطلع شده که ظرف دو ماه آینده و همزمان با امضای توافقنامه امنیتی دو جانبه میان واشنگتن و کابل نیروهای خارجی در افغانستان باقی می‌مانند.

یکی از سناتورهای ارشد پاکستان در جریان پایان سفر خود به افغانستان اعلام کرد که ایالات متحده قصد دارد تا ۲۰ هزار نیروی این کشور و ناتو را در افغانستان باقی بگذارد و این افراد در ۹ پایگاه در بخش‌های مختلف این کشور مستقر خواهند شد.

به گزارش خبرگزاری شینهوا، سناتور مشاهد

## تلاش ارتش امریکا برای...

افغانستان خارج کنند.

با این حال مقام‌های وزارت دفاعی ترجیح می‌دهند تا موتورها و تجهیزات بیشتری را از طریق راه‌های زمینی ارزانتر و از طریق پاکستان خارج کنند.

در حالی که کاهش نیروهای نظامی در دست اقدام است و قرار است تا پایان سال ۲۰۱۴ پایان یابد، هم‌اکنون حدود ۲۰ درصد محموله در حال خروج از افغانستان از طریق راه‌های زمینی در طول مرز پاکستان است. اما مقامات امریکایی می‌گویند ترجیح می‌دهند ۶۰ درصد ابزار آلات به جای هوا از طریق زمین منتقل شوند.

دولت افغانستان از اوایل سال جاری میلادی به دنبال مناقشه‌ی بر سر آنچه ارتش امریکا باید برای خروج ادواتش پرداخت کند، مرز را بسته است. کابل بر این نکته پافشاری می‌کند که امریکایی‌ها حدود ۷۰ میلیون

## اوضاع شماری از...

برخی از ولسوالی‌های این ولایت در سال‌های اخیر بین طالبان و نیروهای حکومتی دست به دست شده اند. ولسوالی «وایگل» نورستان اخیراً در اثر عملیات نیروهای امنیتی افغانستان از کنترل طالبان خارج شد و ارگان‌های امنیتی از تلاش برای بهبود امنیت این ولایت خبر دادند.

صالح محمد صالح، نماینده ولایت کنر نیز به شکل طعنه‌آمیزی از اوضاع نابسامان این ولایت سخن گفت: «در کنر امن است. هیچ مشکلی نیست. سرحدات باز است، رفت و آمد جریان دارد. اگر یک نفر ما

## هشدار از پیامدهای جنگ...

ترس از قدرت‌گیری طالبان

موتیید یوسف، کارشناس مسائل جنوب آسیا در «انستیتوت صلح امریکا» می‌گوید که کشورهای غربی در افغانستان پول هزینه می‌کنند تا مطمئن شوند که دولت کابل سقوط نمی‌کند و حداقل توانایی دارد تا کابل و دیگر شهرهای بزرگ را حفظ کند. با این همه، توافق امنیتی امریکا - افغانستان که حضور نیروهای امریکایی را در این کشور تضمین می‌کند، به دلیل اختلاف روی چگونگی معامله با طالبان، هنوز زیر بحث قرار دارد.

کارشناسان می‌گویند که تقلب و بی‌اعتباری انتخابات ریاست جمهوری افغانستان ممکن است به جنگ داخلی در این کشور منتج شود. کارشناسان می‌گویند که تقلب و بی‌اعتباری انتخابات ریاست جمهوری افغانستان ممکن است به جنگ داخلی در این کشور منتج شود.

با این حال، در گزارش کانگرس امریکا آمده است: «ترس این وجود دارد که طالبان و دیگر شورشیان، با کاهش حضور نیروهای بین‌المللی در پایان سال ۲۰۱۴، به موفقیت‌هایی علیه نیروهای افغانستان دست یابند.»

در بخشی از گزارش همچنان آمده است که برخی از افغان‌ها که نسبت وقوع جنگ داخلی هشدار می‌دهند، در حال مسلح کردن و استخدام مردان جنگی هستند. برخی از نخبگان جامعه نیز در حال انتقال سرمایه خود به خارج از افغانستان می‌باشند.

عمر داوود زی، سرپرست وزارت داخله افغانستان می‌گوید از هنگامی که نیروهای ناتو مسوولیت امنیتی را به نیروهای محلی سپرده اند، تلفات نیروهای پولیس دو برابر شده است. اما حملات گروه‌های تندرو تنها به نیروهای امنیتی افغانستان محدود نمی‌شود؛ بلکه بر اساس گزارش سازمان ملل متحد، شمار قربانیان ملکی نیز در نیمه اول سال روان میلادی ۲۳ درصد افزایش داشته است.

عوامل فاجعه

رولف توفوفن، مدیر انستیتوت آلمانی «تحقیقات تروریسم و پالیسی امنیتی» به دویچه وله می‌گوید که شمار زیادی از جنگجویان و تاجران مواد مخدر در مناطق مختلف افغانستان حضور دارند که می‌خواهند نفوذ خود را با حمله بر نیروهای امنیتی افغانستان، افزایش دهند. توفوفن می‌گوید: «بدون حمایت ناتو، نیروهای افغانستان در مقابله با چنین حملاتی ناتوان خواهند شد.»

میشل کولگمن، کارشناس امور جنوب آسیا در موسسه پژوهشی «وودرو ویلسون» در واشنگتن می‌گوید: «نیروهای مسلح افغانستان از مواد مخدر، بیسواد و سربازگریزی رنج می‌برند؛ این در حالی است که آنان بدترین شرایط امنیتی را اداره می‌کنند. این نیروها همچنان به ناتوانی‌های مرتبط با جنگ مبتلا هستند. این‌ها خود عوامل بزرگی برای یک ایجاد یک فاجعه هستند؛ هیچ اهمیت ندارد که چه میزان افغانستان و متحدانش در سراسر جهان تلاش می‌کنند این مسئله را بپوشانند.»

انتخابات حساس

کارشناسان می‌گویند که برای رسیدن به ثبات طولانی مدت و صلح در افغانستان باید در مورد چگونگی اشتراک طالبان در سیستم سیاسی فعلی این کشور توافقاتی انجام بگیرد. یوسف می‌گوید: «هیچ کس در مورد اشتراک سیاسی طالبان صحبت نمی‌کند. این بحث به پایان رسیده است؛ پرسش واقعی این است که به چه شکلی و تحت چه شرایطی آنان (طالبان) باید در پروسه سیاسی شرکت کنند؛ و چه نوع امتیازات و مشوقاتی روی میز مذاکره به آنان پیشکش می‌شود.» کارشناسان می‌گویند که انتخابات ریاست جمهوری افغانستان برای روند صلح با طالبان حیاتی است. چنانچه انتخابات طبق برنامه روز ۵ اپریل سال آینده برگزار شود، این اولین انتقال قدرت از زمان حمله امریکا به افغانستان خواهد بود.

یوسف می‌گوید: «اگر انتخابات با تقلب و بی‌اعتباری همراه باشد، نقطه پایانی بر موفقیت انتقال سیاسی در افغانستان می‌گذارد.»

سمورتی پاتنیک، پژوهشگر در موسسه «تحلیل و مطالعات دفاعی» در دهلی نو می‌گوید که گروه‌های نژادی مختلف حتا پس از انتخابات از نظر سیاسی چند پارچه باقی می‌مانند؛ که این مسئله ثبات سیاسی را با مشکل مواجه می‌کند. او می‌گوید: «اگر طالبان دست بالائی بیابند، اردوی افغانستان بر اساس تفاوت‌های نژادی تجزیه خواهد شد؛ که این امر می‌تواند احتمالاً جرقه جنگ داخلی را بزند.»

بحران در بحرآن

ویلیام دالریمل، تاریخ‌دان و روزنامه‌نگار می‌گوید که بیشتر کارشناسان در غرب، افغانستان را میدان نبرد بین امریکا و متحدانش در یک سو، و القاعده و طالبان در سوی دیگر می‌بینند. اما در واقع، نیروهای ناتو حالا در یک جنگ پیچیده گیر افتاده‌اند؛ یکی بحران داخلی که بین گروه‌های مختلف قومی در افغانستان وجود دارد؛ دیگری بحران منطقه‌ای بین دو کشور مجهد به سلاح اتمی پاکستان و هندوستان.

رژیم طالبان از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ هرگز از سوی هند به رسمیت شناخته نشد. با این همه، پس از سقوط این رژیم، گرایش به نزدیکی به دهلی نو از سوی حکومت افغانستان دیده شد. دالریمل در مقاله‌ی برای «موسسه بروکینگز» نوشته است: «در مدت ریاست کززی، هند فرصت این را داشت تا نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در افغانستان گسترش دهد.»

این کارشناس می‌گوید که اردوی پاکستان همواره حضور هند را در افغانستان که آنان «حیط خلوت استراتژیک» خود می‌خوانند، «یک تهدید برای بقای خود» دیده‌اند. همین امر سبب شده است تا سازمان استخبارات پاکستان به تقویت طالبان تلاش کند، به طوری که «این گروه بتواند کززی و دوستان هند را سرنگون کند.»

یوسف، تحلیلگر سیاسی می‌گوید که ترس این وجود دارد که پس از سال ۲۰۱۴ تروریستان به فعالیت‌های خود ادامه دهند و حتا به کشورهای همسایه گسترش یابند. او هشدار می‌دهد که افغانستان می‌تواند «میدان جنگ نیابتی برای هند و پاکستان» تبدیل شود.

وی با اشاره به اطلاعات به دست آمده از منابع آگاه در کابل در این مصاحبه خبری اعلام کرد که ۱۰۰ هزار مقاطعه‌کار امریکایی در مسایل مختلف امنیتی برای افغانستان فعال بودند و این افراد مسوولیت‌های متفاوتی را در افغانستان و پاکستان بر عهده داشتند.

رییس کمیته سنای پاکستان در امور دفاعی در ادامه افزود: خروج نیروهای ناتو از افغانستان بر تعداد این مقاطعه‌کاران امریکایی تأثیری نمی‌گذارد.

هیات پاکستانی همچنین با حامد کززی، رییس جمهوری افغانستان دیدار و گفت‌وگو کرد.

سفر چهار روزه کمیته دفاعی سنای پاکستان به کابل با دیدارها و گفت‌وگوهایی درباره مسائل دفاعی، امنیتی و نظامی مرتبط با هر دو کشور پایان یافت.

دو طرف همچنین یک تفاهم‌نامه برای ادامه این مذاکرات امضا کردند و قرار است پس از انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در آوریل ۲۰۱۴ میلادی در اسلام‌آباد، پاکستان برگزار شود.

شد و یا تخریب خواهد شد.

مقامات امریکایی همچنین خاطر نشان کردند، هزینه‌های انتقال بین ۵ تا ۷ میلیارد دلار برآورد شده اما اینکه چه مقدار از ادوات از راه زمینی منتقل شود بر روی هزینه نهایی اثر خواهد گذاشت.

از ماه اپریل تاکنون حدود نصف همه محموله‌ها از طریق هوایما به بنادری در خاورمیانه برده شده‌اند و سپس با کشتی به امریکا انتقال یافته‌اند و حدود ۲۸ درصد تجهیزات نیز تماماً از طریق هوایی از افغانستان به امریکا منتقل شده است.

امریکا ۵۵ هزار سرباز در افغانستان دارد و قصد دارد قسمت عمده نیروهای نظامی‌اش را تا پایان سال ۲۰۱۴ از این کشور خارج کند. مقامات امریکایی در حال مذاکره در خصوص توافقنامه‌ی بی‌کابل هستند تا نیروهای کمتری را پس از ۲۰۱۴ در افغانستان نگاه دارند.

امنیتی دارد؛ اما نماینده‌گان گفتند که در برخی از ولایات به دلیل ناامنی به تعداد بیشتر پولیس نیاز است. هم چنین خلیل الله شهیدزاده، نماینده ولایت هرات گفت که مردم این ولایت از ترور، اختطاف و ماین گذاری رنج می‌برند: «مسوولان امنیتی با آن که دستاوردهای اندکی دارند، اما قطعاً توانسته‌اند یکی از پدیده‌های شوم ماین، ترور، اختطاف و مردم آزاری را مهار کنند. کم تر طرحی برای جلوگیری از قطاع الطریقان و غارت اموال مسافران وجود دارد.»

قرار است گزارش‌های ولایتی نماینده‌گان به ارگان‌های ذیربط حکومتی تحویل داده شوند تا آن‌ها در این رابطه به پارلمان پاسخ بگویند.

بندی شود، ده طالب را می‌دهیم و بندی خود را آزاد می‌کنیم.»

نماینده‌گان تاکید کردند که حکومت باید به چالش‌های امنیتی در ولایات سرحدی توجه بیشتری داشته باشد. فاطمه عزیز، نماینده ولایت کندز نیز گفت که مردم در این ولایت از ناامنی نگران هستند و برای حل این مشکل باید سربازان بیشتر پولیس در این ولایت مستقر شوند: «خوب است که تشکیل پولیس بالا برود؛ زیرا نظر به نفوسی که وجود دارد، تشکیل پولیس کم است. کارمندان امنیت ملی نیز باید زیادت‌ر شوند.»

افغانستان در حال حاضر حدود ۳۵۰ هزار نیروی



## رییس دبیرخانه کمیسیون انتخابات:

# برخی محافل در تلاش جلوگیری از برگزاری انتخابات هستند



مقام‌های کمیسیون مستقل انتخابات گفته‌اند که برخی محافل در تلاش جلوگیری از برگزاری انتخابات آینده یا تاخیر آن هستند، اما کمیسیون مصمم به برگزاری آن است.

دو روز مانده به زمان آغاز ثبت نام نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراهای ولایتی، ضیاءالحق امرخیل، رییس دبیرخانه کمیسیون انتخابات به بی‌بی‌سی گفت که محافلی هستند که به دنبال تاخیر برگزاری انتخابات ریاست جمهوری هستند.

اما او تأکید کرد که به‌جز از برگزاری انتخابات دیگر هیچ گزینه‌ی وجود ندارد و کمیسیون انتخابات مطابق برنامه از قبل ریخته شده، به کار خود ادامه می‌دهد و انتخابات هم به زمانش برگزار می‌شود.

پیش از این برخی محافل نزدیک به حکومت خواستار تاخیر زمان انتخابات شده و برخی هم خواستار تغییر قانون اساسی شده‌اند.

یک ماه پیش شماری از بزرگان قومی به رهبری ملا تره‌خیل کوچی، نماینده کوچی‌ها در مجلس نماینده‌گان در همایشی در کابل خواستار تاخیر انتخابات ریاست جمهوری تا سال ۲۰۱۸ میلادی شدند.

استدلال آقای تره‌خیل این بود که در سال ۲۰۱۴ به دلیل بدی وضعیت امنیتی، انتخابات سالم و شفاف برگزار نخواهد شد.

پیشتر از آن گروهی از حامیان حامد کرزی رییس جمهوری در ولایت جنوبی قندهار، زادگاه او، در همایشی خواستار تغییر قانونی اساسی شدند تا آقای کرزی بتواند برای بار سوم نامزد انتخابات شود.

استدلال آنها آن بود که اگر آقای کرزی از قدرت کنار رود، جنگ قدرت در کشور در خواهد گرفت و کشور به هرج و مرج

## گرامی‌داشت از...

گفت‌وگوی شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی با اولین خبرنگار امریکایی ریچارد مکنزی به نمایش گذاشته شد

اشتراک کننده‌گان این همایش بر روان تمامی شهدای کشور به‌ویژه حاجی عبدالقادر، استاد مزاری، جنرال محمدداوود داوود، جنرال شاه‌جهان نوری، جنرال عبدالرحمن سیدخیلی، فرمانده عبدالحق دعا کرده و از آن‌ها نیز به شایستگی یادآور شدند.

ریچارد مکنزی، اولین ژورنالیست امریکایی که در سال ۱۹۸۸ در دره پنجشیر با قهرمان ملی گفت‌وگوی تلویزیونی انجام داده بود، سخنرانی کرده و از خاطراتش از دیدار با قهرمان ملی صحبت کرد.

گفت‌وگوی احمدشاه مسعود قهرمان ملی افغانستان با ریچارد مکنزی، نخستین گفت‌وگوی او محسوب می‌شود که در تلویزیون‌های امریکا و روزنامه واشنگتن پست به نشر رسیده است.

### بریتانیا

همین‌گونه روز یکشنبه ۸ سپتمبر ۲۰۱۳ شهروندان افغانستان مقیم انگلستان از شهادت قهرمان ملی گرامی‌داشت به‌عمل آوردند.

عبدالحق خراسانی دیپلمات پیشین و نویسنده، با تشکر از ستاد برگزاری و سپاس‌گزاری از حاضران مجلس در باره ابعاد شخصیت قهرمان ملی صحبت کرد.

او از پیروان شهید مسعود خواست که برنامه‌ها و تفکرات او را دنبال کرده و حرکتی نظام‌مند داشته باشند.

او گفت که ما می‌توانیم با اعلام برنامه‌ها و استراتژی‌های خویش، انتخابات آینده را به یک همه‌پرسی ملی تبدیل کنیم تا مردم به افکار و اهداف رای دهند. او ضمن ناکارآمد خواندن قانون اساسی موجود طرح هر نوع گفت‌وگو را از حقوق اساسی و مدنی مردم افغانستان دانست.

در این حال، سیامک هروی وزیر مختار و معاون سفارت افغانستان در لندن ضمن بر شمردن و تجلیل از شهدای افغانستان با ذکر خاطراتی از نخستین دیدارش با شهید احمدشاه مسعود یاد کرد و آن‌را بسیار تأثیرگذار و آموزنده دانست.

این همایش که با حضور احمد مسعود یگانه فرزند شهید احمد شاه مسعود برگزار گردیده بود با خوانش اشعار حماسی و نوشته‌های تحلیلی پیرامون شخصیت احمدشاه مسعود و بررسی کار کردهای حکومت مجاهدین، شام همان روز پایان یافت.

### تاجیکستان

همچنان، مراسم دوازدهمین سالگرد شهادت احمدشاه مسعود قهرمان ملی و هفته شهدا در

تاجیکستان برگزار گردید.

در این محفل که در آن شماری از نماینده‌گان مجلس افغانستان، سفیر جمهوری اسلامی ایران، برخی از مقامات تاجیک، سفارت افغانستان در تاجیکستان، شعرا و فرهنگیان تاجیک حضور داشتند، سخنرانان شهید احمد شاه مسعود را قهرمان ملی و مبارز ملی کشور خواندند و از کارنامه‌های او ستایش کردند.

### روسیه

روز دوشنبه (۹ سپتامبر) افغان‌های مقیم مسکو پایتخت روسیه، طی محافل گوناگونی از هفته شهدا و همچنین دوازدهمین سالروز شهادت احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور، گرامی‌داشت به عمل آوردند.

در مراسمی که از سوی سفارت جمهوری اسلامی افغانستان در مسکو به مناسبت هفته شهدا برگزار شده بود، ده‌ها تن از مسوولین دولتی، فرهنگیان، تاجران و افغان‌های مقیم مسکو حضور داشتند.

در این مراسم که بدون حضور سفیر افغانستان در مسکو برگزار شده بود، نجیب الله شینواری اشته فرهنگی سفارت به سخنرانی پرداخت .

وی طی سخنانی به مقام والای شهید اشاره کرد و با بیان رفتار و کردار شهیدان، آن‌ها را اسوه و الگوی مفید جوامع عنوان نمود.

اشته فرهنگی سفارت افغانستان در باره شهید احمد شاه مسعود نیز سخن گفت و اظهار داشت: «شهدا قهرمانان افغانستان اند که به خاطر حراست از وطن و آزادی مردم تا آخرین رمق حیات به مبارزه شان ادامه دادند، این صفات در وجود شهید احمد شاه مسعود متبلور بود.»

در این مراسم هم دیپلمات‌های خارجی، شرق شناسان روسی، نماینده‌گان جریان‌های مختلف اجتماعی افغان‌ها در مسکو، فرهنگیان، تاجران، دانشجویان، استادان و دیگر افغان‌های مقیم مسکو حضور داشتند.

در این مراسم که هر ساله برگزار می‌شود، استاد شاه محمود، السکاندر قادریابف، آقای سالادوفکین، عزت‌الله حسینی و برخی دیگر از مهمانان، پیرامون شخصیت احمد شاه مسعود، نقش وی در منطقه جهان و همچنین هفته شهدا سخنرانی نمودند.

سخنرانان همه بر این تأکید کردند که شهید احمدشاه مسعود قهرمانی بود که در تمام مراحل زنده‌گی خود، آزاده‌گی را سرلوحه زنده‌گی خود قرار داده بود.

قرار است در روزها و هفته‌های پیش‌رو در شهرهای مختلف اروپایی نیز از هفته شهدا و کارنامه‌های شهید احمدشاه مسعود و دومین سال شهادت شهید استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت، طی همایش‌های گرامی‌داشت به عمل آید.

## تفویض مدال...

یک باب اپارتمان دو اتاقه در پروژه وزارت شهرسازی در خواجه رواش و مدال غازی میر مسجدی خان منظور شده است.

همچنان در فرمان مذکوره برای هر یک از ۱۹ تن از بازیکنان تیم ملی فوتبال کشور یک باب اپارتمان دو اتاقه، مدال غازی میر مسجدی خان و مبلغ یکصد هزار افغانی پول نقد، منظور گردیده است.

همین‌گونه در فرمان رییس‌جمهور برای یوسف کارگر سر مربی تیم ملی فوتبال کشور یک باب اپارتمان در پروژه وزارت شهرسازی در خواجه رواش و مدال غازی میر مسجدی خان منظور شده است.

سپس حامد کرزی رییس‌جمهوری اسلامی افغانستان برای هر یک از بازیکنان تیم ملی فوتبال کشور مدال غازی میر مسجدی خان را تفویض کرد.

در اخیر محفل یوسف کارگر سر مربی تیم

ملی فوتبال کشور به نمایندگی از دیگران از تقدیر رییس‌جمهور کرزی از ورزشکاران کشور، تشکر نمود.

وی پیروزی تاریخی تیم ملی فوتبال افغانستان را در بازی‌های فوتبال جنوب آسیا به رییس‌جمهور کشور و مردم افغانستان تبریک گفت.

یوسف کارگر گفت که بازیکنان تیم ملی فوتبال کشور همبستگی مردم افغانستان را به نمایش گذاشتند.



## شام پیروزی تیم ملی و...

شعار هم صنفی‌شان را باصدای بلند بیش از ده بار تکرار کردند. اندکی بعد فضای صنف آرام شد و اما عنوان درس من عوض شد به فوتبال!

با گذشت چندین دقیقه‌ی دیگر، خبر به سر رسیدن دومین گول تیم ملی، این بار پیش از رسیدن پیامک، از طریق فریاد بلند دانشجویانی که در صنف‌های شان تلویزیون تماشا می‌کردند، به گوش رسید. کلاس درسی از کنترل من خارج شد، همه ریختن به دهلیزها و صنف‌هایی که در آن تلویزیون وجود داشت.

همزمان با اعلام پایان بازی، من به دروازه‌ی شمالی دانشگاه کابل رسیدم. صدها دانشجو از خواب‌گاه دانشگاه کابل و جمعیتی بزرگ مردمی که منازل شان در نزدیکی دانشگاه کابل است در حالی که بیشتر آن‌ها، لباس‌های برتن داشته‌ی شان را دریده بودند، رقص کنان و شادی کنان به خیابان دانشگاه کابل ریختند. جمعی اشک شادی می‌ریختند، جمعی می‌رقصیدند، و کسانی هم بالای خودروها و موتر سایکل‌ها سوار، بلند فریاد شادی سر می‌دادند و بیرق سه رنگ افغانستان را با عشق و شور بی سابقه می‌پوسیدند و تکان می‌دادند.

### چند صحنه‌ی دیدنی

من از دانشگاه کابل، به شهرنو و از آن‌جا تا ساعت دوازده شب به خیرخانه آمدم. دقیق نمی‌توانم آمار آرایه کنم، خیابان‌ها حضور بی سابقه‌ی مردم را شاهد بودند، خیلی راحت می‌توانم بگویم که ده‌ها هزار نفر به خیابان‌های شهر کابل ریخته و شور و شادی برپا کرده بودند. آسمان شهری که سال‌ها مصیبت باریده بود، چهارشنبه شب، سرور می‌بارید؛ شهری که سال‌ها گریسته بود، به صدای بلند می‌خندید؛ مردمی که سال‌ها نوا و ناله‌ی ویران شدن، کشته شدن، زخمی‌ها، تیمان و بیوه زنان را شنیده بودند؛ از همه جا خنده می‌شنیدند و شادی. آنچه را در خواب نمی‌شد دید، در بیداری دیدیم. مردمی

که گمان می‌رفت، روح شادبودن، شادی کردن و شاد زیستن برای همیشه در آن‌ها مژده است، چنان مست می‌رقصیدند و کف می‌زدند و فریاد سرور سر می‌دادند و هم‌دیگر را صمیمانه در آغوش می‌گرفتند و مبارکباد می‌گفتند که اصلا از تصور خارج بود. از میان صحنه‌های دیدنی، چندی از آن را به روایت می‌کنم:

### تاکسی کهنه و تیل دل انگیز

از سیمای مردی ریش سفید که خودروی تاکسی نه چندان جدید داشت، پیدا بود که شاید خودرو اش، یگانه وسیله‌ی نان آور برای خانواده و فرزندانش باشد، با تاکسی‌اش از میان انبوهی از شادی کنندگان می‌گذشت. ده‌ها نفر در درون و بیرون تاکسی‌اش سوار شده بودند، تایلرهای تاکسی زمین‌گیر شده بود، مو سفید تاکسی‌ران، غرق خنده بود و یکجا با بچه‌ها شعار می‌داد: زنده باد افغانستان، زنده باد افغانستان. اصلا خمی به ابرویش دیده نمی‌شد. پش از چند دقیقه، یکی از بچه‌های شاد و شوخ، به آهن عقبی تاکسی، تیل زدن را آغاز کرد، تاکسی خیلی آهسته راه می‌کرد و جمعیت بزرگی از مردم روبروی تاکسی می‌رقصیدند و این آهنگ را سر می‌دادند: « پیروزی از آن ماست، پیروزی از آن ماست.»

### تماشای دیپلمات‌های خارجی

حد اقل من از مقابل سفارت خانه‌ی جمهوری اسلامی ایران گذشتم، چندین دیپلمات ایرانی، از دروازه‌ی سفارت شان بیرون شده بودند و با تعجب تمام، شادمانی بی سابقه مردمی را تماشا می‌کردند که سال‌ها در خون زیسته اند.

### رقص و پای کوبی در شهرنو

تا نیمه‌های شب، خیابان‌ها عجیب شوری داشت. در شهرنو کابل، هزاران نفر سوار و پیاده، قهرمانی شان را جشن گرفته بودند. در کنار پارک شهرنو، یک دوکان کوچک کست فروشی است. کست فروش، آهنگ میهنی شادی را بلند پخش کرده بود و خود در کنار صدها جوان دیگر، در میان خیابان، بی باکانه و مستانه می‌رقصید و همه می‌رقصیدند و می‌رقصیدند.

از فرق سر تا پنجه‌ی پا تر شدم من در شهر نو، در کنار خیابانی ایستاده و با لبخند، صحنه‌های جالب شادمانی را تماشا می‌کردم. یک خودروی لُکس که شماری از بچه‌های شوخ و خندان سوار آن بودند و بیرق افغانستان را تکان می‌دادند و فریاد می‌کشیدند، در میان انبوهی از جمعیت خندان شهر، آهسته آهسته نزدیک من رسید. یکی از بچه‌های سوار بر آن خودرو، مرا به سوی خود خواند، نزدیک رفتم. یک بشکه آب در دستش بود، با لبان خندان به من گفت: تو چرا آرام ایستاده‌ی؟ باید تر شوی!

من دست‌انم را بلند گرفتم، خندیدم و گفتم: در خدمت ام برادر! بشکه آب را بر سرم خالی کرد و من از فرق سر تا پنجه‌ی پا تر شدم و همه مشترک خندیدیم.

### شلیک‌های شادبانه

همزمان با ریختن مردم به خیابان‌ها و شور و رقص و فریاد، شلیک‌های شادبانه هم آغاز شد. مرمی‌های سُرخ «سام» را همه می‌توانستند در آسمان کابل تماشا کنند.

شلیک‌های شادبانه‌ی چهارشنبه شب، از سوی شماری از کاربران شبکه‌های اجتماعی در افغانستان، مورد انتقاد قرار گرفته است. بیشتر آن‌ها، شلیک شادبانه را در شهر آشوب زده‌ی کابل، بد توصیف کرده و این عمل را نکوهش کرده اند.

اما آتش باری و آتش بازی از گذشته‌های دوری به این طرف، در مراسم شادی مردم ما رایج است. هنوز هم در مراسم عروسی در اطراف افغانستان، شلیک‌های شادبانه صورت می‌گیرد و هنوز در شماری از ولایت‌ها، هنگامی که نخستین کودک در خانواده‌ی به دنیا می‌آید، تفنگ بازی می‌کنند و آتش باری.

پولیس افغانستان نیز حق دارد شاد باشد، بسیاری از شلیک‌های شادبانه از سوی پولیس صورت گرفت، اما آنچه نگران کننده بود این‌که از خانه‌های مردم ملکی نیز، صدای شلیک‌های زیادی به گوش رسید.

### شادی بی خشونت

من تقریباً از بسیاری مناطق مهم شهرکابل گذر کردم، چهارشنبه شب، شور و شادی بدون خشونت را در میان مردم به خوبی به چشم خود دیدم. حتا موردی از خشونت علیه کسی و یا شکستن و زدن و ریختن به نشر نرسیده است. چهارشنبه شب، ما نخستین نظم طبیعی را نیز تجربه کردیم، همه شاد بودند و از خودگذری و مدارا در میان همه شادی کنندگان به نیکویی دیده می‌شد. شیشه‌ی نشکست، سری خون نشد و به هیچ کسی و چیزی آسیب نرسید. در شهر، به جز پولیس ترافیک، سایر نیروهای امنیتی حضور کم رنگ و خیلی ناچیز داشتند، گویا همه مطمئن بودند که حادثه‌ی بدی رخ نخواهد داد.

گزارش‌ها از سایر شهرهای افغانستان نیز شبیه به کابل است، همه جا مردم به خیابان‌ها ریختند و شاد بودند و پای کوبیدند و رقصیدند. حد اقل در یکی دو قرن اخیر، ما شاهد چنین شادی همگانی و بزرگ در کشور خود نبوده ایم.

### شعارهای واحد

چند شعار مشخص از سوی همه شادی کنندگان سر داده می‌شد: زنده باد افغانستان، زنده باد تیم ملی ما، ما قهرمان شدیم، ما هم می‌توانیم پیروز باشیم!

من هیچ‌گاه لبخند صادقانه‌ی را که چهارشنبه شب در لبان هر شهروند افغانستان می‌دیدم، شاهد نبوده‌ام، همه را از عمق دل سرور می‌دیدم، همه به افغانستان فکر می‌کردند. ما نخستین جشن ملی ما را تجلیل کردیم، نخستین شادی مشترک را تجربه کردیم و ما نخستین قهرمانی و پیروزی ورزشی‌مان را همه باهم تجلیل کردیم.

به یک نتیجه می‌رسیم: وقتی دست به دست هم کار کنیم، پیروز می‌شویم، تفکیک و تبعیضی باقی نمی‌ماند، وقتی همه پیروز می‌شویم، همه شادیم و می‌خندیم و همه صمیمانه در کنار هم دیگر قرار می‌گیریم.



# Mandegar

## گرامی داشت از قهرمان ملی در کشورهای خارجی



## اعلان داوطلبی

دولت جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت کار، امور اجتماعی شهیدا و معلولین  
ریاست کار امور اجتماعی شهیدا و معلولین ولایت پنجشیر  
مدیریت عمومی مالی و اداری

ریاست کار امور اجتماعی شهیدا و معلولین ولایت پنجشیر ترمیم تعمیر اداری خویش را به اعلان داوطلبی می‌گذارد. اشخاص افراد موسسات داخلی و خارجی که ثبت اداره آیسا باشند و خواهش اشتراک در جلسه داوطلبی را داشته باشند الی مدت (۲۱) یوم بعد از نشر اعلان درخواست های خویش را به مدیریت عمومی مالی و اداری ریاست کار امور اجتماعی شهیدا و معلولین ولایت پنجشیر واقع پاراخ سپرده شرطنامه را ملاحظه فرموده تضمین اخذ میگردد.

از دوازدهمین سالروز شهادت قهرمان ملی افغانستان شهید احمدشاه مسعود امسال نیز مانند سال‌های پیش در بسیاری از کشورهای غربی از جمله ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، اتریش، استرالیا، ناروی، آلمان، فرانسه، و... گرامی داشت صورت گرفت.

بسیاری از اشتراک کنندگان این همایش‌ها تأکید ورزیدند که برای بیرون رفتن از معضلات سیاسی، اجتماعی کنونی افغانستان، باید به آرمان‌های شهیدا و به‌ویژه آرمان‌های قهرمان ملی شهید احمد شاه مسعود توجه شود.

شام روز یکشنبه هشتم سپتمبر، جمع بزرگی از افغان‌های مقیم شهرهای واشنگتن‌دی‌سی، نیویارک، کالیفرنیا و کلرادو با حضور شماری از اعضای سفارت افغانستان در آمریکا در شهر ورجینیا گردهم آمده و دوازدهمین سالروز شهادت قهرمان ملی را گرامی داشتند.

آن‌ها در سخنرانی‌های شان ضمن ارج‌گذاری به مبارزات عدالت‌خواهانه قهرمان ملی، از کارنامه‌های استاد برهان‌الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت و شهید صلح نیز ستایش کردند.

ادامه صفحه ۷

## پیام تسلیت به مناسبت

## در گذشت خیرالله بشر دوست، رئیس تشکیلات اتحادیه ملی ژورنالیستان افغانستان

با تأسف اطلاع یافتیم که خیرالله بشر دوست، رئیس تشکیلات اتحادیه ملی ژورنالیستان افغانستان، چشم از جهان فرو بسته است. آقای بشر دوست، به روز جمعه پانزدهم سنبله در یک حادثه ترافیکی شدیداً زخمی و به بیمارستان ابن سینا منتقل گردید؛ اما وخامت وضعیت صحی‌اش سبب شد که دکتران آن بیمارستان از تداوی وی ابراز عجز نمایند. به همین دلیل، یک روز پس از حادثه، آقای بشر دوست به همکاری مقامات وزارت دفاع کشور، به بیمارستان سردار محمد داود خان منتقل گردید و زیر تداوی قرار گرفت.

اما بعد از چاشت امروز، آقای بشر دوست در حالی که یک هفته تمام را در بیهوشی مطلق به سر برده بود، به رحمت حق پیوست. اتحادیه ملی ژورنالیستان افغانستان در حالی که از خدمات آقای بشر دوست در فعال نگهداشتن این اتحادیه و تلاش خسته‌گی ناپذیر و صادقانه وی در جهت تبدیل کردن این اتحادیه به خانه همه خبرنگاران کشور، ابراز قدردانی می‌کند، نبود وی را ضایعه بزرگی به این نهاد می‌داند. ما همچنان درگذشت آقای بشر دوست را به تمامی بازمانده گان وی، چه در خانواده اش و چه در خانواده بزرگترش یا جامعه خبرنگاری کشور، تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند بزرگ استدعا داریم تا این دوست و همکارمان را غریق رحمت گرداند.

انا لله و انا الیه راجعون

## شام پیروزی تیم ملی و نخستین شادی همه گانی ما

شفیق شرق - استاد دانشگاه



روانه‌یی دانشگاه کابل شدم. در مسیر راه، هر جایی که زمینه برای تماشای تلویزیون فراهم بود، صدها تن هجوم آورده بودند و انتظار شروع بازی را می‌کشیدند. داخل دانشگاه کابل شدم، در بسیاری از صنف‌های درسی، دانشجویان تلویزیون آورده بودند و از استادانی که بالای شان درس داشتند، خواسته بودند که تا پایان مسابقه‌ی فوتبال، درس را آغاز نکنند.

به صنفی که خودم درس داشتم رفتم. صنفی که در ساعات عادی درسی، ۶۰ نفر حضور می‌داشت، بیش از بیست نفر حضور نداشتند. پرسیدم: دیگران کجا هستند؟

یک صدا پاسخ دادند: به تماشای فوتبال رفته‌اند. مثل روزهای پیش درس را آغاز کردم. پس از گذشت چند دقیقه به خوبی احساس کردم که مخاطب ندارم؛ به درستی می‌فهمیدم که چشم دانشجویان به‌سوی من و قلب شان در میدان سبز نیپال است، همه تلفون‌های همراه شان را، برخلاف روزهای دیگر در دست داشتند و انتظار رویدادی را می‌کشیدند.

دقیق نمی‌دانم ساعت ۵ و چند دقیقه بود، صفحه‌ی تلفونم روشن شد، نخستین پیامک را دریافت کردم، تا پیامک را بخوانم، فریادی بلند و اما جمعی از صنف منزل پایانی به گوش رسید و هم‌زمان با آن، یکی از دانشجویان در صنف درسی من، یخن خود را درید و به صدای بلند فریاد زد: زنده باد افغانستان! همه دانشجویان حاضر در صنف با هیجان از جای خود برخاستند و...

ادامه صفحه ۷

مردم افغانستان در درازنای تاریخ، به‌ویژه در پنجاه سال پسین، کمتر از عمق دل شاد بوده‌اند و کمتر لیخند واقعی‌یی داشته‌اند. در طول تاریخ اندک اتفاق افتاده که ما مردم افغانستان، همه باهم خندیده و یا همه با هم گریسته باشیم. ما شادی مشترک و اندوه مشترک نداشته‌ایم. گاهی هم شده که کتله‌یی از مردم در گوشه‌یی از کشور به دلیلی شاد بوده‌اند، اما کتله‌یی دیگر از کنار شادی آن‌ها بی تفاوت گذشته و در لیخند آن‌ها شریک نشده‌اند. این هم واقع شده است که ما در اندوه و ماتم دیگری خندیده‌ایم و غم یکی، بر دیگر مان شادی بوده است.

چند روزی که تیم ملی فوتبال افغانستان در جنوب آسیا، هر روز داشت پیروزی‌های شگفت انگیزی به دست می‌آورد، بگو مگوهای مردم در میان شهرها در نهایت در همه جا، متفاوت از هر وقت دیگر شده بود. همه از فوتبال می‌گفتند و همه از پیروزی و قهرمانی. راه‌یابی تیم ملی ما به مرحله نهایی مسابقات ملت‌های جنوب آسیا، شور و انگیزه پیروزی را لحظه به لحظه بیشتر کرد. صبح روز چهارشنبه، یگانه حرف بر سر زبان‌ها، فوتبال بود و یگانه آرزو، قهرمان شدن تیم ملی کشور در مسابقات جنوب آسیا.

چهار شنبه بیستم شهریور، مصادف به یازهم سپتامبر، روز اندک به پایانش نزدیک می‌شد و مردم با هیجان و شور بی‌پیشینه، به لحظه‌یی انتظار نزدیک می‌شدند. یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، دقیق همان روزی است که یکی از مرگ‌بارترین حمله‌های تروریستی به بزرگترین کشور دنیا صورت گرفته بود و افغانستان در آن زمان، پناهگاه القاعده پنداشته می‌شد.

همان روز ساعت درسی من، ۵ عصر در دانشگاه کابل شروع می‌شد؛ ۵ عصر دقیق همان ساعتی که مسابقه تیم ملی ما با هندوستان نیز آغاز می‌یافت. من در دوراهه گیرمانده بودم، از خود می‌پرسیدم: «به صنفدرسی بروم یا به تماشای فوتبال؟» تلفون همراهم انترنت نداشت، به یکی از دوستانم زنگ زدم و از او خواستم که گزارش لحظه به لحظه فوتبال را از طریق پیامک با من شریک سازد.

## پیام ستر جنرال عطا محمد نور در پیوند به قهرمانی تیم ملی

بزرگ و باارزش شما برای این سرزمین در شهر مولانای بزرگ تقدیر و ستایش نمایم. من از جانب خود، مبلغ دو میلیون افغانی را برای شما ورزشکاران ملی‌پوش فوتبال کشور به عنوان هدیه و تقدیر نیک از عملکرد با افتخارتان، پیشکش می‌دارم. می‌دانم شما سزاوار تقدیر بسا گران و بیشتر از این هستید. باور داشته باشید هرگز کارنامه درخشان شما از ذهن مردم و تاریخ این کشور فراموش نمی‌شود. من به تداوم همکاری با ورزشکاران کشور متعهد هستم و به توانایی و پیروزی متداوم شما باورمندم.

به سلامت و پایدار باشید!

جوانان و جلوه‌گیری از ابتلا به اعتیاد و در کنار آن، داشتن یک جامعه صحتمند و سالم می‌شمارم. ورزشکاران تیم ملی فوتبال ثابت کردند که از سرزمینی قهرمان‌پرور برخاسته و در دامان قهرمانان پرورش یافته‌اند. آن‌ها در کنار کسب این افتخار به مردم و کشورشان، یک بار دیگر در کنار به اهتزاز در آوردن پرچم کشورمان، نام این سرزمین را در میان ملل جهان به عنوان کشوری افتخارآفرین به معرفی گرفتند. ورزشکاران عزیز تیم ملی فوتبال کشور! می‌خواهم از شما به صورت ویژه در یک دعوت رسمی در ولایت بلخ، پذیرایی گرم و همه‌جانبه نمایم و از افتخارآفرینی

امروز شاهد یکی از رخدادهای بزرگ و افتخارآمیز در تاریخ ورزش کشور بودیم. صعود تیم ملی فوتبال کشور بر سکوی قهرمانی در مسابقات جنوب آسیا که با تلاش و پیکار ارزنده ملی‌پوشان فوتبال به‌دست آمد، بی‌تردید یکی از افتخارات بزرگ را درج تاریخ سرزمین ما نمود. من در حالی که این پیروزی را به جلالتمآب حامد کرزی رئیس‌جمهوری کشور، مردم شریف و سربلند کشور، جامعه ورزشی و به صورت ویژه به ورزشکاران تیم ملی فوتبال تبریک و تهنیت عرض می‌دارم؛ توجه به ورزش را یکی از اولویت‌های اساسی برای خطوط کاری دولت در امر رشد و بالندگی

## روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد



برای دانشجویان و اساتید دانشگاه

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی
سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر



نارسیده به منزل یا دفاتر
سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

## برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰